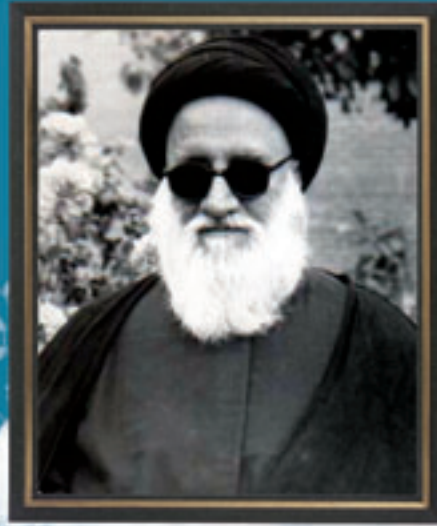




آیت اللہ
سید ہبۃ الدین شہرستانی



آیت الله
سید هبة الدين شهرستانی
سلسله جنبان خاندان



شناسنامه

آیت الله سید هبة الدین شهرستانی، سلسله جنبان خاندان

پدیدآورنده: قدرت الله عفتی

ناظر علمی: محمد نوری

مدیریت اجرایی: علاء الدین نجف

امور فنی: علی نوری

تاریخ: پاییز ۱۳۹۱

ناشر: دفتر فرهنگ معلولین

قم، خیابان صفائیه، کوچه ۳۷، کوچه ۳، پلاک ۲۶

تلفن: ۷۷۳۸۰۱۹ داورنگار: ۷۷۳۴۸۰۴-۲۵۱

www.HandicapCenter.com

info@HandicapCenter.com

هرگونه برداشت و استفاده از کتاب، تنها با ذکر مأخذ و اجازه دفتر امکان پذیر است.

فهرست

مقدمه.....	۵
بخش اول: حیات پر برکت.....	۷
خانواده و تولد.....	۹
تحصیل.....	۱۱
هجرت به نجف اشرف.....	۱۲
اقدامات اجتماعی.....	۱۶
مبارزه علیه استعمار.....	۱۹
هبة‌الدین و قبول وزارت.....	۲۵
سالشمار فعالیت‌ها و اقدامات.....	۲۷
تلاش در دوران نایب‌نایی.....	۳۱
تألیفات.....	۳۳
رحلت.....	۳۷
بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها.....	۳۹
گزارش ریحانة الادب.....	۴۱
گزارش محمد قاسم هاشمی.....	۴۵
توصیف رجبی.....	۶۲
دائرة‌المعارف تشیع.....	۷۲

٤ آیت اللہ شہرستانی

- ٧٥ بخش سوم: مأخذشناسی
- ٧٧ الف) آثار چای سید ہبۃ الدین
- ٨٤ ب) آثار دربارہ سید ہبۃ الدین
- ٨٩ بخش چہارم: آلبوم عکس
- ١٠٣ مأخذ

مقدمه

خاندان شهرستانی دارای شهرت جهانی است و در میان مسلمانان و شیعیان معروف به صفا و صمیمیت، فرزاندگی و مجاهدت می‌باشند. بعضی خاندان‌ها به خاطر مقام و موقعیت سیاسی و اجتماعی و بعضی به خاطر ثروت و مکننت مالی مشهور شده‌اند. اما خاندان شهرستانی به دلیل خدمات فرهنگی و اجتماعی و نیز علم و تقوا شهرت پیدا کرده‌اند. هم‌اکنون در عراق، ایران و دیگر کشورها به خدمات رسانی و تلاش مشغول هستند. سلسله جنیان این خاندان در دوره جدید سید محمد علی معروف به هبة‌الدین شهرستانی (۱۳۰۱-۱۳۸۶ق) است که کارنامه خدماتی، فرهنگی و علمی پربرگ و باری به جای نهاده است.

حدود چهل سال از عمرش گذشته بود (یعنی در ۱۳۴۲ق) که به اختلالات چشمی و کم شدن دید مبتلا شد. جراحی سال ۱۳۴۵ق و بستری شدن در بیمارستان دمشق نتیجه نداد و تا پایان عمر (۱۳۸۶ق) در نابینایی به سر برد. یعنی حدود نیم‌قرن با عوارض کم‌بینایی و نابینایی زندگی را می‌گذراند. مهم این است که نابینایی مانع تداوم کارهایش حتی تألیف کتاب و اداره نشریه نشد؛ بلکه فعالیت‌هایش در این دوره گسترش هم داشت. زندگانی و روش او در برخورد با مشکلات قابل تأسی توسط روشندان است. از ابتکارات و بسیاری از شیوه‌های نوگرایانه ایشان می‌توان درس آموخت.

۶ آیت الله شهرستانی

شخصیت‌های برجسته‌ای از خاندان شهرستانی ظهور کرده‌اند. هم‌اکنون حجة الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی (زیدعزه) ادامه دهنده محاسن اخلاقی و خدمات انسانی این خاندان است؛ و یادآور تلاش مرحوم هبة‌الدین است. نیز مرحوم سید محمد علی شهرستانی که دو سال گذشته به رحمت ایزدی پیوست، شخصیت بزرگی بود. دفتر فرهنگ معلولین درصدد معرفی تمام عیار سید هبة‌الدین شهرستانی با اجرای چند پروژه است. برخی از طرح‌هایی که در حال اجرا است عبارت‌اند از: اختصاص یک جلد به زندگانی و معرفی ایشان همراه با کتاب گویا و بریل آن؛ اجرای کتابشناسی کامل و جامع در یک جلد از آثاری که منتشر کرده و نیز آثاری که درباره او منتشر شده است و کارنامه روزنامه نگاری و مطبوعاتی سید هبة‌الدین شهرستانی که در دفتر فرهنگ معلولین در حال تألیف است.

هدف این دفتر اینست که نشان دهد کم‌بینایی و نابینایی مانع از تلاش و پیشرفت نیست و امید به زندگی و سخت‌کوشی را در قلوب روشندان احیاء کند. امیدواریم از نقدها و تذکرات نخبگان و استادان محترم بهره‌مند گردیم، زیرا نظریات استادان موجب افزایش کیفیت و پیشرفت است.

محمد نوری

۱۵ آذر ۱۳۹۱

بخش اول:
حیات پر برکت

خانواده و تولد

سید محمد علی بن سید حسین عابد بن سید حسین صراف بن سید مرتضی بن سید محمد بن سید علی کبیر، ملقب به هبةالدین، معروف به شهرستانی، از مفاخر معاصرین علمای امامیه و بزرگان سادات خاندان شهرستانی است.^۱ سید هبةالدین شهرستانی، عالم و مجتهد بزرگ، مفسر قرآن، مجاهد، مبارز، یکی از بزرگان و وحدت گرایان جهان اسلام است، نسبش با سی واسطه به زید فرزند امام زین العابدین سجاد(ع) می‌رسد.

پدرش «سید حسین حائری کاظمی» از دانشمندان پارسا و عابد بود و بیشتر وقتش را به تحقیق در مسائل شرعی و معنوی می‌گذراند، چهار کتاب *الفتوحات الغیبیة فی الختوم*، *الاحراز*، *الادعیه*، *دموع الشمعة فی ادعیة لیلة الجمعة* از ایشان به یادگار مانده است، این کتاب‌ها نشان از دانش، بینش، و کردار عارفانه او است.

سید حسین عابد و متخلق به اخلاق نیک بود. نیاکانش از محسن صراف تا زید، فرزند گرانقدر امام علی بن الحسین(ع) همه در شمار نیکان جای داشتند.

۱. *ریحانة الادب*، ج ۶، ص ۳۵۰.

۱۰ آیت الله شهرستانی

خاندان شهرستانی در مناطق کربلا، نجف، کاظمین، کرمانشاه، همدان و اصفهان پراکنده بوده‌اند و از پارسایانی که در بین مردم مقبولیت داشته‌اند، به شمار می‌آمده‌اند. ستارگان فروزان این خاندان، با بهره‌مندی از انوار اهل بیت(ع)، همواره جهانیان را از دانش و ایمان خود منور ساخته‌اند.^۱

مادرش «مریم» از سادات شهرستانی اصفهان و از احفاد میرزا محمد مهدی شهرستانی است. جدّ چهارم ایشان سید علی کبیر، بانی دیوار نجف و کربلا و متولی احداث کانال آب‌رسانی به این دو شهر است.^۲

مریم خانم زنی عالم و فاضل بود که در ریاضیات، تاریخ کشورها و دودمان‌ها، ادبیات و شعر، سرآمد زنان آن زمان بود.^۳ این بانوی دانشمند با ازدواج با سیدحسین بن سیدحسین صراف مقدمات میلاد یکی از بیدارگران جهان اسلام را فراهم آورد. با فرا رسیدن ماه رجب ۱۳۰۱ق، اول صبح روز سه‌شنبه ۲۴ ماه رجب ۱۳۰۱ق، میرزا علی شهرستانی، یکی از دانشوران و بزرگان سامرا، به منزل سیدحسین حائری، پدر سید هبه‌الدین رفت تا خبری که در رؤیا دیده بود به اطلاع او برساند.

۱. هبه‌الدین شهرستانی ستاره سامرا، ص ۱۳ و ۱۴.

۲. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۳۵۰؛ علمای مجاهد، ص ۲۶۹.

۳. هبه‌الدین شهرستانی، ستاره سامرا، ص ۱۷.

بخش اول: حیات پر برکت ۱۱

میرزا علی شهرستانی به ایشان گفت: امشب در عالم رؤیا به من گفتند امروز فرزند مریم به دنیا می‌آید، نامش را محمد علی و لقبش را هبة‌الدین قرار دهید. ظهر روز سه شنبه ۲۴ رجب ۱۳۰۱ ق محمد علی ملقب به سید هبة‌الدین دیده به جهان گشود.^۱

تحصیل

سید هبة‌الدین در دامن پدر و مادری عالم پرورش یافت و از دانش آنها بهره‌مند می‌شد. از نخستین روزهای کودکی از پدر و مادرش بهره می‌برد. ولی آموزش رسمی را از ده سالگی آغاز کرد و در مدتی کوتاه آموختن صرف، نحو، منطق، عروض، بیان، بدیع، حدیث، درایه، رجال، فقه، اصول - سطح متوسط - تاریخ، هیئت، حساب و ریاضیات را در کربلا به پایان رساند.

پدرش، سید حسین حائری کاظمینی در ذی‌القعدة ۱۳۱۹ ق در سن هفتاد سالگی فوت نمود، در واقع پشتوانه علمی قوی سید هبة‌الدین از دست رفت و غمی سنگین بر دلش ماند.^۲ ایشان بعد از تدفین پیکر پدرش در کاظمین به کربلا که محل تحصیلش بود بازگشت و به تحصیل ادامه داد.

۱. همان، ص ۱۶ و ۱۷؛ *اعیان‌الشیعة*، ج ۱۰، ص ۲۶۱.

۲. همان، ص ۱۶-۱۸.

هجرت به نجف اشرف

چند صباحی بعد از انتقال بیکر سیدحسین به آرامگاه جاودانی کاظمین، دانشمند برجسته نجف، سید مرتضی کشمیری، که با سید حسین حائری آشنایی دیرینه داشت و او را به عنوان دانشوری پرهیزگار می‌ستود، در کربلا به دیدار سید محمد علی (سید هبة‌الدین) شتافت، ضمن تسلیت مرگ پدرش، از وی خواست برای ادامه تحصیل رهسپار حریم امیر مؤمنان(ع) شود و در حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف ادامه تحصیل دهد.

سید هبة‌الدین نمی‌توانست به این پیشنهاد پاسخ مثبت دهد. مخارج فراوان کوچ کردن، وضعیت نامعلوم زندگی در آن دیار ناآشنا، و از سوی دیگر هوای بهره‌گیری از محضر بزرگان دانشوران نجف اشرف، ایشان را به تردید افکنده بود. سید کشمیری با مشاهده دودلی سید هبة‌الدین، گفت: شایسته است به کتاب خداوند روی آورده، از آن یاری جوئیم. آنگاه قرآن گرفته، استخاره کردند. کلام الهی چنان آشکار و روشن بود که نه تنها سید هبة‌الدین، بلکه سید مرتضی کشمیری را نیز در شگفتی فرو برد: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَ آوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ»^۱.

۱. مؤمنون(۲۳)، آیه ۵۰.

بخش اول: حیات پر برکت ۱۳

پسر مریم و مادرش را دو نشانه خویش گردانیدیم و آنها را در سرزمین بلندی که آنجا مکانی هموار و چشمه‌سار بود منزل دادیم. فرزند بانوی پاک نهادِ شهرستانی با شنیدن پیام روشن پروردگار، همه تردیدها را کنار گذاشت و آماده سفر به حریم پاک نخستین پیشوای مؤمنان، حضرت علی(ع) شد و سرانجام در ۲۱ شعبان ۱۳۲۰ق راهی نجف اشرف شد.^۱

ایشان علاوه بر درس فقیهان نام‌آور آن سرزمین مانند شیخ محمد کاظم «آخوند» خراسانی^۲، سید کاظم یزدی^۳ و شیخ شریعت اصفهانی^۴، استفاده کرد. وی در ۱۳۲۳ق به محضر آیت

۱. هبة‌الدین شهرستانی ستاره سامراء، ص ۱۹ و ۲۰.

۲. محمد کاظم خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق) در مشهد دیده به جهان گشود. در درس شیخ مرتضی انصاری حضور یافته، سرانجام در شمار فقیهان نام‌آور شیعه جای گرفت. کتاب مشهور کفایة الاصول وی هنوز متن درسی سطوح عالی حوزه‌های علمیه به شمار می‌آید.

۳. سید محمد کاظم یزدی فرزند سید عبدالعظیم طباطبایی (۱۲۵۶-۱۳۳۷ق) عالمی پرهیزگار و پژوهشگری دقیق و ژرف اندیش بود که از مفاخر شیعه شمرده شده است. او در یزد به دنیا آمد و پس از رسیدن به مقام شامخ اجتهاد کتاب گرانقدر عروة الوثقی در فقه را نگاشت.

۴. حاج ملا فتح‌الله معروف به شیخ الشریعة و آقا شریعت (۱۲۶۶-۱۳۳۹ق) در اصفهان دیده به جهان گشود. او فقیهی اصولی، حکیمی متکلم و ادیبی مفسر بود و در ریاضی مهارت داشت. در جنگ جهانی اول به جهاد با بریتانیا همت گماشت و در راه وحدت تشیع و تسنن گامهای بلندی برداشت.

۱۴ آیت الله شهرستانی

الله شیخ محمد باقر اصطهبانی شتافت و از درس «شرح چغمینی» وی بهره‌مند شد. و در همین دوره کتاب *اداء الفرض فی اثبات سکون الارض* را تألیف کرد.^۱

سید هبة الدین به هنگام فراگیری دانش هیئت قدیم بود که کتاب *موائد* نوشته میرزا محمد حسین مرعشی شهرستانی به دستش رسید. مؤلف تحلیل‌های بطلمیوسی را با استدلال رد کرده بود، این کتاب در سید هبة الدین اثیر عمیق گذاشت و او را با دانش ستاره شناسی جدید آشنا ساخت. میرزا محمد حسین شهرستانی، ستاره شناسی تجربی را با آیات قرآن و روایات معصومان منطبق و حرکت زمین را قاطعانه اثبات کرده بود. سید هبة الدین شیوه او را دنبال کرد و تصمیم گرفت کتاب *تقض الفرض فی اثبات حركة الارض* را تألیف کند.

ایشان علاوه بر این، در فکر تدوین کتابی بر اساس ستاره شناسی جدید بود که ضمن رد نظریه بطلمیوس، حرکت زمین را با آیات و روایات به اثبات می‌رساند، ولی از کج اندیشان و تکفیر مقدس‌مآبان هراس داشت، در این سال‌ها سید عبدالله بلادی بوشهری تنها دوستی بود که از اندیشه سید هبة الدین آگاه بوده و وی را به نوشتن و ایستادگی در برابر نظریات و اندیشه‌های

۱. *تقیاء البشر فی القرن الرابع عشر*، القسم الرابع من الجزء الاول، ص ۱۴۱۴.

بخش اول: حیات پر برکت ۱۵

متحجران تشویق می‌کرد ولی سید هبة‌الدین همچنان در تردید به سر می‌برد تا آنکه رمضان سال ۱۳۲۴ ق فرا رسید. در این ماه معنوی، رؤیایی، که آثار درستی از همه زاویه‌هایش آشکار بود، سرنوشت کتاب جدید را برای همیشه روشن ساخت.

ایشان در خواب دیدند که ورق‌های قرآن بر روی زمین ریخته شده و گرد و خاک آنرا پوشانده است، در این زمان سید بزرگواری از راه رسید و به سید هبة‌الدین که با غم و اندوه این ورق‌ها را نگاه می‌کرد گفت: بیا این ورق‌ها را جمع کنیم. آنها ورق‌های قرآن را جمع و تمیز کردند.

صبح روز بعد، سید هبة‌الدین این خواب را برای سید عبدالله بوشهری تعریف کرد، سید عبدالله بوشهری با خوشحالی گفت، مشغول کتاب مورد نظر شوید، در این مسیر از هیچ‌کس و هیچ چیز نهراسید، بدون شک، پیشوایان پاک اسلام راستین با دست ناپیدای خویش شما را یاری خواهند کرد.

در پی این رؤیا و تعبیر نیک سید عبدالله، سید هبة‌الدین با دلگرمی دست به کار شده، در مدتی کوتاه کتاب *الهیة و الاسلام* را تدوین نمود.^۱

۱. هبة‌الدین شهرستانی ستاره سامرا، ص ۲۵-۲۷.

اقدامات اجتماعی

سید هبة الدین در حوزه علمیه هزار ساله نجف اشرف به درس مجتهدان بزرگی چون آخوند خراسانی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و شیخ الشریعة اصفهانی حاضر می شد تا آنکه به مقام بلندی در علم و فضل و ادب دست یافت و تعدادی از علما به اجتهاد او شهادت دادند. وی علاوه بر علوم متعارف، دانش هیئت قدیم را از شیخ محمد باقر اصطهبانی فرا گرفت.

سید محمد علی از دوران جوانی به عنوان عالمی روشن، خردمند، کوشنده و با همت و آگاه به اندیشه های جدید و اصلاح طلب معروف بود. او از همان آغاز با علما و متفکران معروف اهل سنت رابطه فکری برقرار کرد، از جمله با شیخ محمد عبده مفتی مصر، سید محمد رشید رضا صاحب *مجله المنار* و با ناشران و نویسندگان مجلات *المقتطف* و *الهلال* تماس داشت و پیوندی مستحکم میان پایگاه علمی جهان تشیع و مراکز فرهنگی مصر و سوریه پدید آورد و در نتیجه آن، مقالات، اشعار و گزارش هایش در مجلات جهان عرب انتشار یافت.

وی تدریس فلسفه و دانش های عقلی متروک در حوزه های علمیه را در دستور کار قرار داد و در سخنرانی ها و نوشته های گوناگون خود، دانشجویان و مردم را به آموختن دانش های نوین فرا می خواند.

بخش اول: حیات پر برکت ۱۷

ایشان در جریان جنبش مشروطه ایران در سال ۱۳۲۴ق، علاوه بر انتشار مقالات و ایراد سخنرانی در تأیید آن، در نشست‌های آشکار و پنهان مشروطه خواهان شرکت می‌کرد. در ۱۳۲۸ق ماهنامه دینی، فلسفی و علمی *العلم* را منتشر ساخت، این مجله یکی از مهمترین مجلات فکری و سیاسی آن زمان به شمار می‌آمد. مقالات آن عموماً از ویژگی خاصی برخوردار بود و این اندیشه را رواج داد که میان اسلام و علم هیچ تناقضی وجود ندارد. این مجله به همان اندازه که مورد استقبال استادان اندیشمند و طلاب فاضل حوزه‌های علمیه عتبات قرار گرفت با مخالفت‌هایی نیز مواجه گردید و بدین ترتیب انتشار آن بیش از دو سال به طول نیانجامید.

کتاب *الهیة و الاسلام* او - که در همین دوران نوشته شد - رساله‌ای فلسفی سیاسی بود که به هماهنگی شریعت اسلامی با برخی از وجوه تمدن و فرهنگ غرب یعنی اکتشافات علمی خصوصاً علم هیئت و فلسفه‌های جدید، می‌پرداخت. البته تکیه او عمدتاً به شریعت و میراث اسلامی بود. وی از احیاگران تفکر اصیل اسلامی به شمار می‌رود.

سید هبه‌الدین شهرستانی پس از اطلاع از تبلیغات وسیع هیأت‌های تبلیغی مسیحی در بحرین و گرویدن گروهی از مردم به مسیحیت، در رمضان ۱۳۳۰ق عازم آن سرزمین گردید و

۱۸ آیت الله شهرستانی

راجع به ادعاها و تشکیلات آنها پژوهش کرد و سپس دو مدرسه اسلامی جدید به نام «اصلاح» و «اسلام» را برای آموزش کودکان و نوجوانان تأسیس نمود. علاوه بر آن به ایراد سخنرانی و تشکیل انجمن‌های اسلامی گوناگون پرداخت و سرانجام همه تلاش‌های مبلغان مسیحی را بی‌اثر ساخت.

ایشان از بحرین عازم سرزمین هند گردید، زیرا که مسلمانان هند زیر فشارهای سیاسی-فرهنگی فراوان از سوی انگلستان، هندوهای افراطی، و نیز علمای متحجر آنجا قرار داشتند. وی در آن کشور نیز به ایراد سخنرانی و انتشار مقاله در مجلات گوناگون پرداخت و انجمن‌های اسلامی متعددی تأسیس کرد و تصمیم داشت که به ژاپن سفر کند اما با آغاز جنگ جهانی اول در رمضان ۱۳۳۲ق از آن کار منصرف شد و به یمن و از آنجا به حجاز رفت و سپس به نجف بازگشت. او بر آن بود تا با ایجاد انجمنی مرکزی در نجف، همه تشکیلات و انجمن‌های اسلامی را به یکدیگر پیوند داده و ارتباط فعالی میان آنها برقرار سازد، اما با استمرار جنگ جهانی این تلاش‌ها ناکام ماند.^۱

۱. علمای مجاهد، ص ۲۷۰.

بخش اول: حیات پر برکت ۱۹

مبارزه علیه استعمار

در سال ۱۳۳۲ق جنگ جهانی اول آغاز شد و فضای جنگ بسیاری از کشورها را فرا گرفت. عالی‌ترین مقام مذهبی عثمانی یعنی شیخ الاسلام استانبول، به عنوان رهبر معنوی اهل سنت با صدور اطلاعیه‌ای مردم را به جهاد و مقاومت در برابر فرانسه، بریتانیا و روسیه فرا خواند.

هرچند این فتوا در بیست و سوم محرم ۱۳۳۳ق در همه مساجد بغداد خوانده شد ولی دانشمندان دینی دست پرورده عثمانیان نه تنها آن را تأیید نکردند، بلکه با ارسال پیام‌های محرمانه دولت بریتانیا را مورد حمایت و تشویق قرار دادند. به همین دلیل دولت عثمانی گرفتار بحران شده بود.

کسانی که در سایه سلطان استانبول باغ‌ها، ثروت‌ها و عنوان‌های مذهبی گرد آورده بودند، یکباره پدر خوانده ترک خویش را از یاد برده، دست دوستی با بریتانیا دادند. البته مقام‌های رسمی مذهبی در این موضع‌گیری تنها نبودند، بلکه نمایندگان عراق در پارلمان عثمانی و عراقیان پرورش یافته در مدرسه‌های نظامی استانبول نیز از سلطان عثمانی روی گردان شدند و برای خدمت به ملکه بریتانیا به رقابت پرداختند.

در چنین شرایطی شیعیان مقیم ولایات تحت سلطه عثمانی، که همواره شهروندانی درجه دوم به شمار می‌آمدند، به پیروی از

۲۰ آیت الله شهرستانی

فقیهان نجف اشرف احساس مسؤولیت کرده، سرنوشت خویش را با جهاد پیوند زدند.^۱

سید هبة الدین که از علمای مبارز بود و مشارکت جدی در مبارزات شیعیان عراق داشت و نقش موثر و سازنده‌ای در پیروزی انقلاب عراق و استقلال آن کشور به عهده گرفت. به این خاطر، مدتی در شهر حله، زندانی بود. در سال ۱۳۳۲ق، در جنگ جهانی اول همانند بسیاری از مراجع و علمای شیعه عراق، بر ضد آنها فتوای جهاد صادر نمود.

در فتوای سید هبة الدین آمده بود: «جهاد بر همه مسلمانان جهان، واجب عینی است، حتی کسانی که زیر سلطه بریتانیا، فرانسه و روسیه به سر می‌برند باید برای مقاومت در برابر این سه دشمن اسلام، متحد شده با آنها به نبرد برخیزند. بر همه مسلمانانی که در این کشورها زندگی می‌کنند واجب است از یاری متفقین در حمله به دولت امتناع ورزند، هرچند که در معرض اعدام قرار گیرند».

این فتوا در ۲۳ محرم ۱۳۳۳ق در همه مساجد بغداد خوانده شد و سپس خودشان، همراه با گروهی از علمای عتبات همچون شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا مهدی فرزند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایة الاصول) و سید مصطفی کاشانی و

۱. هبة الدین شهرستانی ستاره سامرا، ص ۳۶-۳۹.

بخش اول: حیات پر برکت ۲۱

هزاران تن از مجاهدان داوطلب، با حمل پرچم مرقد مطهر امیرالمؤمنین(ع) رهسپار جبهه‌های نبرد گردید.^۱

انبوه مجاهدان در ۲۱ محرم ۱۳۳۴ق به بغداد رسیدند. بغداد در آن سال نقطه اوج همایش‌های وحدت بود. و عصر جمعه، بیست و پنجم محرم، حضرت آیت الله العظمی شیخ الشریعه اصفهانی همراه سید هبة الدین و دیگر دانشوران عازم جبهه، به دیدار اندیشمندان اهل سنت در «اعظمیه» شرکت جستند و خواهان جبهه متحد مسلمانان علیه استعمار شدند. هبة الدین که نمی‌توانست بدین مقدار، در وحدت شیعه و سنی، بسنده کند، در راستای نزدیکی فزونتر نیروهای فرهنگی مسلمان، دو روز بعد در یکشنبه، بیست و هفتم محرم از دفتر نشریه *الاسلام* بازدید کرد و تلاش دست اندرکاران آن نشریه را ستود. این سپاه ارداتمدان اهل بیت(ع) با پرچم گنبد امیرالمؤمنین(ع) به جبهه رسید و در نبرد با نیروهای بریتانیا شجاعانه مبارزه کرد.^۲

سرانجام دانشمندان نجف اشرف، رأیت حیدری و انبوه ارداتمدان به امام علی(ع) کاظمین را ترک گفته، مدتی بعد به جبهه کوت رسیدند. هبة الدین شهرستانی که در مسیر نجف تا جبهه همواره برای جذب نیروهای مؤمن مردمی تلاش کرده بود،

۱. *اعیان الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۱۶؛ *علمای مجاهد*، ص ۲۷۰ و ۲۷۱.

۲. *هبة الدین شهرستانی ستاره سامرا*، ص ۴۲ و ۴۳.

۲۲ آیت الله شهرستانی

در جبهه نیز به کوشش‌های خستگی ناپذیرش ایستادگی می‌کرد. او ضمن استقرار در مرکز فرماندهی، هر جا هجوم دشمن شدت می‌یافت، خود را برای تقویت سنگرها به آن سمت می‌رساند. توجه به یکی از تلگرافهای فقیه فرزانه سامراً از جبهه کوت می‌تواند بیانگر شجاعت و تلاش آن بزرگمرد در تقویت روحیه مردم و رزمندگان باشد: این سپاه که با پرچم گنبد شریف حضرت علی(ع)، همراه گروه دانشوران نجف لشکرگاه سپاه اسلام در جبهه کوت را زیارت کردیم از صمیم قلب شجاعت سپاهیان دلیر و فداکاری‌های آنها را در باز پس‌گیری سرزمین‌های غصب شده سپاس گفتیم. در حالی که فرمانده دلاور و بی‌باکشان، مرد کمیاب روزگار، فرمانده کل حضرت «خلیل بک» نیز در میان آنها بود. ما همه بر این باوریم که سپاه ما هرگز در عراق تاکنون بدین نظم و ترتیب و این‌سان به حکم قانون الهی «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه»^۱ آماده دفاع نبوده است. انتظار می‌رود دشمنان، به یاری خداوند، به سرعت نابود شوند.^۲

بعد از مدتی این نیروها تحلیل رفت و ضعیف شد. پس از ناکامی مجاهدان در جنگ با نیروهای انگلیسی، و بازگشت

۱. انفال/۶۰. برای مبارزه با دشمنان هرچه می‌توانید از نیرو و اسبان آماده

کنید تا به وسیله آن دشمنان خدا و خویش را بترسانید.

۲. هبة الدین شهرستانی ستاره سامرا، ص ۴۳ و ۴۴.

بخش اول: حیات پر برکت ۲۳

مجاهدان از میدان جنگ به وطن خودشان، سید هبة الدین به فعالیت‌های علمی روی آورد، از اینرو دعوت معاون فرماندار سیاسی کربلا را برای تصدی امر قضاوت آن شهر در ۱۳۳۷ق پذیرفت. کمتر از دو سال پس از استیلای انگلیس بر عراق و به سبب تحقیر و بدرفتاری و سخت‌گیری نیروهای انگلیسی، خشم و نفرت از آنها سراسر شهرهای شیعه‌نشین را فراگرفت. در آن زمان وی به همراه شیخ محمدرضا شیرازی، سازمان سرّی «الجمعية الوطنية الالسلامية» را ایجاد کرد.

هدف این گروه بیرون راندن اشغالگران و استقلال عراق بود. در شب نیمه شعبان ۱۳۳۸ق، جلسه سرّی مهمی جهت تصمیم‌گیری در مورد تاریخ شروع و شیوه مبارزه با نیروهای اشغالگر انگلیسی در کربلا تشکیل شد که در آن شهرستانی، سید ابوالقاسم کاشانی، عبدالکریم جزایری، و علمای دیگر شرکت داشتند. وی همچنین جزو اعضای شورای سرّی انقلاب بود که میرزا محمد تقی شیرازی آن را برای سازماندهی انقلاب ایجاد کرده بود.

بعد از اینکه قیام مردم عراق با یورش عشایر رُمیته به نیروهای اشغالگر انگلیسی آغاز شد، میرزای شیرازی، سید هبة الدین شهرستانی و میرزا احمد خراسانی را به بغداد اعزام کرد تا با ویلسون، حاکم انگلیسی عراق، مذاکره کرده و او را به پیشنهاد آتش‌بس متقاعد سازند. اما چون ویلسون حاضر به پذیرش

۲۴ آیت الله شهرستانی

پیشنهادهای میرزا نشد، شعله‌های قیام و انقلاب از کربلا گذشت و بیشتر نقاط عراق را فرا گرفت. در این هنگام رسیدگی به وضعیت جبهه‌های گوناگون، یافتن شیوه‌های مطمئن‌تر و سریع‌تر پیروزی، بررسی دلایل شکست‌ها، رفع کمبودها و تقویت و آماده نگاه‌داشتن روحیه رزمندگان، همه در زمره وظایف شورای انقلاب و سید هبه‌الدین جای داشت. از سوی دیگر مجاهدان رزمندگان گزارش فعالیت‌های خود را برای ایشان می‌فرستادند و چاره‌جویی می‌کردند.

با وجود تلاش و مجاهدت فراوان اعضای شورای انقلاب، از جمله شهرستانی، اختلافات سنتی عشایر و قبایل که در زمان حیات میرزای شیرازی فروکش کرده بود، پس از درگذشت نابهنگام وی، بار دیگر شعله‌ور گردید. بدین ترتیب از یک سو شکاف میان عشایر و از سوی دیگر طولانی شدن نبرد و فشار روزافزون نظامی، سیاسی و اقتصادی انگلیسی‌ها، وضع مجاهدان و سرنوشت قیام را به تیرگی می‌کشاند. در این زمان سید هبه‌الدین شهرستانی برای جلوگیری از ناکامی آشکار قیام، در نامه‌ای که به حاکم انگلیسی جدید عراق نوشت، مسئولیت قیام را به گردن ویلسون انداخت و از او خواست تا باب گفتگو و مذاکره را برای یافتن صلحی شرافتمندانه باز کند.

بخش اول: حیات پر برکت ۲۵

حاکم جدید عراق، شرایطی برای صلح اعلام کرد که از جمله آن تسلیم هفده نفر از رهبران انقلاب به مقامات انگلیسی بود که از جمله آنها سید هبة‌الدین شهرستانی، سید ابوالقاسم کاشانی، سید حسین قزوینی، شیخ محمد خالصی زاده بودند و بدین ترتیب شهرستانی و چند تن دیگر توسط عوامل وابسته دستگیر و تسلیم مقامات انگلیسی شدند. شهرستانی به اتهام شرکت در رهبری قیام به اعدام محکوم شد، اما با صدور فرمان عفو عمومی، پس از نه ماه اسارت، در ۱۳۳۹ق آزاد گردید.^۱

هبة‌الدین و قبول وزارت

زمانی که ملک فیصل از سوی انگلیسی‌ها به پادشاهی عراق رسید، در صدد برآمد تا برای کسب وجهه و اعتماد عمومی از افراد خوشنام برای اداره امور کشور دعوت به عمل آورد. از اینرو سه ماه پس از آزادی شهرستانی، به وی پیشنهاد کرد تا وزارت معارف را بر عهده بگیرد. وی نیز پس از مشورت با علمای برجسته و اصرار آنان، این سمت را پذیرفت.

شهرستانی در طول مدت کوتاه وزارتش (یازده ماه) دست به اقدامات مهمی زد، از جمله وزارت معارف را از وجود مستشاران انگلیسی پاکسازی کرد و به جای آنها از کارشناسان عراقی

۱. علمای مجاهد، ص ۲۷۱.

۲۶ آیت الله شهرستانی

استفاده نمود، دانشجویان بسیاری را برای ادامه آموزش به سوریه و کشورهای پیشرفته اعزام کرد، برای عشایر مدارس سیار به وجود آورد، مبلغ سیصد هزار روپیه کمک از سرمایه‌داران عراقی برای ساخت و تجهیز مدارس گردآوری نمود، کشور را به پنج منطقه آموزشی تقسیم کرد و اصول تدریس را به شکلی نو دگرگون ساخت و دستور داد تا نماز جماعت در سراسر مدارس و با شرکت همه دانش‌آموزان و معلمان برگزار شود.

اقدامات اساسی شهرستانی با مخالفت عوامل انگلیسی روبرو گردید. از اینرو چنان عرصه را برایشان تنگ ساختند که ایشان پس از یازده ماه خدمت صادقانه در ۲۰ ذیحجه ۱۳۴۰ ق استعفا داد و مدتی بعد به ریاست دیوان عالی تمییز منصوب شد. وی در این سمت چندین ساله انجام وظیفه کرد و به کارهای مهمی دست زد. گزینش قضاوت شایسته و گسیل آنها به مناطق گوناگون، تلاش برای سازماندهی دادگاه‌های شرعی و پیوند آنها با دیوان عالی، تبیین احکام و تنظیم قوانین لازم در شیوه دادرسی، بخشی از اقدامات او در این مدت بود.^۱

۱. همان، ص ۲۷۲؛ *عیان‌الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

بخش اول: حیات پر برکت ۲۷

سالشمار فعالیت‌ها و اقدامات

سید هبة‌الدین با اینکه بیش از نیمی از عمر شریفش در ناینبایی بوده ولی کارنامه عظیم و پر ثمره‌ای بر جای گذاشته است. در اینجا سالشمار فعالیت‌های او را، البته فقط موارد مهم‌تر را به عموم مردم، به ویژه روشندان تقدیم می‌کنیم.

- ۲۴ رجب ۱۳۰۱ق، تولد فرزندی در خانه سید عابد و مریم از سادات شهرستان اصفهان

- ۱۳۱۱ق، آغاز تحصیل در مدارس طلاب در کربلا.

- ذی‌القعدة ۱۳۱۹ق، فوت پدر هبة‌الدین به نام سید حسین عابد.

- ۲۱ شعبان ۱۳۲۰ق، هجرت از کاظمین و کربلا به نجف اشرف جهت ادامه تحصیلات.

- رمضان ۱۳۲۰ق، سفر تبلیغی به بحرین و خنثی‌سازی تبلیغات مسیحیت.

- رمضان ۱۳۲۰ق، تأسیس دو مدرسه اصلاح و اسلام در بحرین.

- ۱۳۲۳ق، شرکت در درس آیت‌الله محمدباقر اصطهبانی با متن شرح چغمینی.

- ۱۳۲۳ق، تألیف کتاب *اداء الفرض*.

۲۸ آیت الله شهرستانی

- ۱۳۲۴ق، شرکت در جلسات مشروطه خواهان ایران در نجف و فعالیت برای آن.
- ۱۳۲۴ق، تألیف کتاب تقض الفرض فی اثبات حركة الارض.
- رمضان ۱۳۲۴ق، آغاز تألیف کتاب الهیة الاسلام.
- ۱۳۲۸ق، انتشار ماهنامه دینی، فلسفی و علمی العلم.
- شوال ۱۳۳۰ق، تأسیس مؤسسه «جمعیة خدمة الإسلام» در بغداد.
- ذی القعدة ۱۳۳۰ق، تأسیس «الجامعة الاسلامية».
- محرم الحرام ۱۳۳۱ق، تأسیس «جمعیة الاصلاح» در بحرین.
- ۱۳۳۱ق، تأسیس «جمعیة الاتفاق العلماء» در کشور عمان.
- ربیع الاول ۱۳۳۱ق، مسافرت به هندوستان و استقبال گرم مردم و مسئولین.
- ربیع الاول ۱۳۳۱ق، ارشاد مردم هندوستان و مبارزه با خرافات و بدعت.
- ربیع الاول ۱۳۳۱ق، تأسیس «جمعیة جندالله» در کلکته هند.
- جمادی الاول ۱۳۳۱ق، تأسیس «جمعیة آل محمد» در باهه.
- جمادی الثانی ۱۳۳۱ق، تأسیس «جمعیة انتشار اسلامی» در الله آباد.
- شعبان ۱۳۳۱ق، تأسیس «جمعیة التقویة» در جایس.

بخش اول: حیات پر برکت ۲۹

- ذی الحجۃ ۱۳۳۱ق، تأسیس «جمعیت اهل الحق» در یمن.
- ذی الحجۃ ۱۳۳۱ق، سفر به حج.
- ذی الحجۃ ۱۳۳۱ق، تألیف کتاب *أدعیه القرآن*.
- ذی الحجۃ ۱۳۳۱ق، سفر به سوریه، لبنان و ایران و بصره.
- ۱۳۳۲ق، سفر به یمن.
- محرم ۱۳۳۳ق، فتوای جهاد علیه بریتانیا، فرانسه و روسیه.
- ۲۳ محرم ۱۳۳۳ق، خوانده شدن فتوایش در مساجد و شرکت در جهاد.
- ۲۱ محرم ۱۳۳۴ق، رسیدن لشکر مجاهدان علیه استعمار به رهبری هیئۃ الدین به بغداد.
- ۱۳۳۸ق، تأسیس سازمان سَرّی «الجمعیة الوطنیة الاسلامیة» علمیه استعمارگران انگلیسی.
- ۲۲ رمضان ۱۳۳۹ق، صدور حکم اعدام علیه سید هیئۃ الدین به خاطر مبارزات.
- ۱۳۳۹ق، آزادی از اسارت پس از نهم ماه اسارت.
- ۱۳۳۹ق، رهایی از زندان و اعدام به خاطر عفو عمومی.
- ۲۵ محرم الحرام ۱۳۴۰ق، منصوب به وزارت معارف.
- ۲۰ ذیحجه ۱۳۴۰ق، استعفا از وزارت معارف.
- اول محرم ۱۳۴۲ق، قبول ریاست مجلس شیعه جعفری.

۳۰ آیت الله شهرستانی

- ۱۳۴۲ق، قبول دیوان عالی تمییز.
 - ۱۳۴۲ق، بیماری چشم و اختلال در دیدن و آغاز کم بینایی و در ادامه نابینایی.
 - جمادی الاولی ۱۳۴۴ق، تأسیس مجله المرشد در بغداد.
 - ۱۳۴۵ق، جراحی چشم و بهبودی موقت.
 - ۱۳۴۹ق، سفری به سوریه برای درمان چشم.
 - ۱۳۵۳ق، استعفا از دیوان عالی تمییز احکام جعفری.
 - ۱۳۵۳ق، شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی.
 - ۱۳۵۳ق، انتخاب توسط مردم بغداد برای نمایندگی مجلس.
 - ذی القعدة ۱۳۵۳ق، انصراف از نمایندگی مجلس به دلیل بحران و انحلال مجلس.
 - ۱۳۵۴ق، تأسیس کتابخانه‌ی امام جواد(ع) (مکتبة الجوادین العامة) در صحن امام کاظم(ع).
 - ۲۶ شوال ۱۳۸۶ق، رحلت.
- ایشان در هر زمان و مکانی که بودند کانون مبارزه علیه ظلم و فساد و بدعت و خرافات قرار می‌گرفتند.^۱

۱. السيد هبة‌الدین الحسينی الشهرستانی، حیاته و نشاطه العلمی و الاجتماعی، ص ۴۲۵-۴۳۱؛ و منابع دیگر

بخش اول: حیات پر برکت ۳۱

تلاش در دوران نایبایی

در ۱۳۴۲ق همزمان با پذیرش مسؤولیت دیوان عالی تمییز، بیماری چشم، هبة‌الدین را در رنج فرو برد. بیماری دشواری که با جراحی سال ۱۳۴۵ق اندکی بهبود یافت ولی هرگز ریشه کن نشد؛ حتی سفر ۱۳۴۹ق به سوریه و بهره‌گیری از تخصص پزشکان آن سامان نیز دستاوردی جز رنج فروتر در پی نداشت. البته بیماری هرگز به معنای پایان کوشش‌های معمول و گوشه‌گیری او نبود.

از پژوهشگران و مورخان فقط محمد شریف رازی، نایبایی سید هبة‌الدین را توطئه استعمارگران و به دست آنان دانسته است.^۱ آن بزرگ مرد در سال ۱۳۵۳ق برای شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی از دیوان عالی تمییز احکام جعفری، کناره گرفت و به عنوان نماینده استان بغداد رهسپار مجلس شد. مجلسی که بیش از چند ماه دوام نیاورد و سرانجام در ذی الحجة همان سال منحل شد.

انحلال مجلس برای سید هبة‌الدین فرصتی طلایی بود. او هرچند از درد چشم و کاهش شدید بینایی رنج می‌برد، ولی می‌توانست دیگر بار به پژوهش‌های ژرف خویش پردازد. بنابراین در صحن شریف امام کاظم(ع) کتابخانه‌ای با عنوان

۱. گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۵۹.

۳۲ آیت الله شهرستانی

«مکتبه الجوادین العامه» بنیاد نهاد، و جایگاهی برای پذیرش میهمانان در آن پدید آورد تا ضمن دیدار با مردم و اندیشمندان، آنها را با دردهای جامعه آشنا سازد. البته آن فقیه بیدار بدین مقدار بسنده نکرد، هر روز به انبوه نامه‌ها رسیدگی می‌کرد، پاسخ می‌گفت و مخاطبانش را با مسؤولیت‌هایشان آشنا می‌ساخت.

اشتیاق فراوان او به پیشرفت دانش و فرهنگ در جامعه مسلمانان، وی را بر آن داشت تا در کنار تحقیقات خویش، کتابخانه «مکتبه الجوادین (ع) العامه» - کتابخانه عمومی به نام جوادین (ع) - در صحن شریف کاظمین بنا نمود.

پژوهش ژرف، دیدار با مردم و اندیشمندان، پاسخ به پرسش‌ها و تألیف کتاب‌های ارجمند، این کوشش‌ها چند سالی بی وقفه ادامه یافت تا آنکه سرانجام تیرگی دیدگانش را فرا گرفت و مصلح بزرگ اسلام را در ناینبایی فرو برد.

البته سید هبه‌الدین دانشوری نبود که از دست دادن بینایی، او را از تلاش بازداشته، رهسپار دیار خاموشی و وادی ناتوانان سازد. دستان فقیه پرآوازه سامراء چنان به نگاشتن عادت کرده بود که بدون چشم نیز توان نوشتن داشت. بنابراین هر روز کتاب‌های مورد نیاز را برای ایشان می‌خواندند و او به عادت پیشین مقاله یا کتاب می‌نوشت.

بخش اول: حیات پر برکت ۳۳

سرور اندیشمندان سامراء در این باره، همواره می‌گفت: پروردگار لطف کرده هر روز می‌توانم به عادت دست چهل صفحه بنویسیم.^۱

دوره کم‌بینایی شدید و نابینایی او بیش از نیمی از عمرش بوده است. یعنی از ۸۵ سال عمر، ۴۴ سال نابینایی مطلق یا کم‌بینایی شدید بود. البته دوره کم‌بینایی او حدود ۳ سال بیشتر نبود. اما بسیاری از خدمات و تلاش‌های او در همین دوره نابینایی بوده است. اگر روشندان در زمان حاضر یک صدم عزم و اراده و مجاهدت او را داشته باشند، اکثر مشکلات آنان مرتفع می‌گردد.

تألیفات

سید هبة‌الدین شهرستانی با وجود رسیدگی به امور حوزوی و علمی و مشاغل اداری و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، به تألیف و تصنیف در اغلب رشته‌های علوم و فنون اسلامی اشتغال داشت و بیش از صد جلد کتاب به زبان‌های عربی و فارسی بر جای گذاشته است. در فصل سوم این کتاب، اطلاعات کتابشناسی آثارش عرضه خواهد شد، اما در اینجا فقط عناوین آثارش معرفی می‌شود.

۱. هبة‌الدین شهرستانی ستاره سامرا، ص ۸۴ و ۸۵؛ دانشوران روشندان، ص ۸۱.

٣٤ آيت الله شهرستاني

كتب فلسفي

١. المحيط؛ ٢. حجة الاسلام؛ ٣. تفسير سوره واقعه؛ ٤. سراج المعراج؛ ٥. رساله ذوالقرنين؛

كتب عقائد و اصول دين

٦. الانتقاد: حول تصحيح الاعتقاد؛ ٧. المعارف العاليه للمدارس العراقية؛ ٨. الروحيات يا الكتاب المفتوح الى عوالم الروح؛ ٩. دين البشر في الطريقة الصالحه لسير الانسان؛ ١٠. توحيد اهل التوحيد؛ ١١. المرجانية في تلخيص المنظومة الاعتقادية؛ ١٢. فيض الباري يا اصلاح منظومة سبزواري؛ ١٣. فلسفه الاستكمال و اصولها؛ ١٤. مواهب المشاهد في واجبات العقائد؛ ١٥. نظم العقائد؛ ١٦. الامامة و الامة؛ ١٧. الفارق في فرق الاسلام؛ ١٨. حديث مع الدعاة البروتستانتين؛ ١٩. الرد على البايه؛ ٢٠. الغالية في رد المغالية؛ ٢١. الوقوف على احكام الاوقاف؛ ٢٢. فيض الساحل في اجوبة مسائل هل السواحل؛ ٢٣. منهاج الحاج او مناسك آل محمد؛ ٢٤. اصفى المشارب في حكم حلق اللحية و تطويل الشارب؛ ٢٥. التفتيش؛ ٢٦. التنبه في تحريم التشبه؛ ٢٧. تحريم نقل الجنائز المتغيره؛ ٢٨. الدخانيه؛ ٢٩. ياقوت النحر في ميقات البحر؛ ٣٠. كتاب في احكام اهل الكتاب؛ ٣١. قاب قوسين في الصلوة عند القطبين؛ ٣٢. فتح الباب لتقريب الاعتاب؛ ٣٣. حكمة الاحكام؛ ٣٤.

بخش اول : حیات پر برکت ۳۵

الفياض حواش على الرياض؛ ۳۵. التكتف و الاسبال؛ ۳۶. دليل
القضاة؛ ۳۷. فقه حى؛ ۳۸. رساله‌ای در وجوب نماز جمعه؛ ۳۹.
رساله‌ای در صوم؛ ۴۰. الزواج الموقت؛ ۴۱. وقاية المحصول
فى شرح كفاية الاصول؛ ۴۲. مواقع النجوم فى تحقيق سماء
الدنيا و الرجوم؛ ۴۳. الهيئة و الاسلام؛ ۴۴. اداء الفرض فى
سكون الارض؛ ۴۵. نقض الفرض فى اثبات حركة الارض؛ ۴۶.
ذنيه الكواكب فى هيئة الافلاك و الثواقب؛ ۴۷. الشريعة و
الطبيعة؛ ۴۸. الوافى الكاف يا شرح جبل قاف؛ ۴۹. نهضة
الحسين (ع)؛ ۵۰. كتاب اميرالمؤمنين در تاريخ امام على(ع)؛
۵۱. المصنوع فى نقد اكتفاء القنوع بما هو مطبوع؛ ۵۲. مختصر
نهضة الحسين؛ ۵۳. الخيبة فى الشعبيه؛ ۵۴. التمهيد فى زيد
الشهيد؛ ۵۵. الشمعة فى حال ذى الدمعه؛ ۵۶. الايلاقيه؛ ۵۷.
طى العوالم فى احوال شيخ الملا كاظم؛ ۵۸. سيرة خير البشر؛
۵۹. ثقافة الرواة؛ ۶۰. ترجمه جابر بن حيان الصوفى الكيماوى؛
۶۱. سلالة السادات فى انساب البيوت الشهيرة من العترة الطاهرة؛
۶۲. ذرى المعالى فى ذرية ابى المعالى؛ ۶۳. صدف اللثالى فى
شجره ابى المعالى؛ ۶۴. رواشح الفيوض فى علم العروض؛ ۶۵.
عقد الحباب؛ ۶۶. الدرّ و المرجان؛ ۶۷. الاوراق فى الاشتقاق؛
۶۸. السرّ العجيب فى تلخيص منطق التهذيب؛ ۶۹. قلادة النحور
فى اوزان البحور؛ ۷۰. نتيجة المنطق به زبان پارسى؛ ۷۱. متون

٣٦ آيت الله شهرستاني

الفنون؛ ٧٢. نادرة الازمان فى دلالة الفعل على الزمان؛ ٧٣.
تحول العجمة و العروبة؛ ٧٤. الساعة الزواليه؛ ٧٥. اضرار
التدخين يا شرب الدخان فى نظر الطبّ والدين؛ ٧٦. زبور
المسلمين، در ادعية قرآن كريم؛ ٧٧. التذكرة لآل محمد الخيرة؛
٧٨. قصار الحكم فى قصار الكلم؛ ٧٩. جنة الماوى فى الارشاد
الى التقوى؛ ٨٠. المنابر؛ ٨١. جداول الرواية؛ ٨٢. فغان الاسلام؛
٨٣. انيس الجليس فى المنتخب من كل موضوع نفيس؛ ٨٤.
الدلائل و المسائل؛ ٨٥. نتائج التحصيل؛ ٨٦. سبايك الافهام؛
٨٧. المجاميع البغدادية؛ ٨٨. الخطابه؛ ٨٩. النويختيه؛ ٩٠. نور
الناظر فى علم المرايا و المناظر؛ ٩١. التوت و الملكوت؛ ٩٢.
البقيات الصالحات؛ ٩٣. الجبر و الاختيار؛ ٩٤. الهادى الى
المهدى؛ ٩٥. الشيعة الناجية؛ ٩٦. فلسفة هبة الدين؛ ٩٧. طبّ
الضعفا؛ ٩٨. منهاج الحاج؛ ٩٩. المناط فى شرف الاسباط؛
١٠٠. مسيح الانجيل او مسيح القرآن؛ ١٠١. حل المشاكل؛
١٠٢. الفوايد؛ ١٠٣. ما هو نهج البلاغه؛ ١٠٤. اسلام برهمى؛
١٠٥. خطب فى الجهاد و الاتحاد؛ ١٠٦. فيصل الدلائل؛ ١٠٧.
تنزيه التنزيل من التغيير و التبديل؛ ١٠٨. وظيف زنان؛ ١٠٩.
الجآن و الجن؛ ١١٠. حرية الفكر بالاجتهاد؛ ١١١. الرويد ١١٢.

بخش اول: حیات پر برکت ۳۷

سلسله الذهب (نظم فارسی در نسب شهرستانی) ۱۱۳^۱. منهج السلف فی تفریق المختلف و المؤتلف^۲.

علاوه بر آنچه گذشت رساله‌های کوچک و بزرگ دیگری نیز از هبة الدین بر جای مانده است که شمارش همه آنها از حوصله این نوشتار بیرون است.^۳

رحلت

کم‌کم بیماری بر جسم این فقیه مصلح و پر تلاش غالب شد و ایشان را زمین گیر کرد، به طوری که دوستان و مقلدانش به عیادت او روی آورده بودند.

این بیماری‌ها برای نخستین بار، پس از ۸۵ سال تلاش خستگی ناپذیر، سید هبة الدین را با خاموشی و سکون پیوند زد. خاموشی و سکونی که چیزی جز آرامش پیش از توفان نبود. سرانجام در شب دوشنبه ۲۶ شوال ۱۳۸۶ ق یکی از خلاق‌ترین ثمره‌های حوزه‌های علمیه به جهان ابدی و جاودانگی شتافت.

۱. الذریعة، ج ۱۲، ص ۲۱۶؛ ج ۲۳، ص ۱۱۴.

۲. همان، ج ۲۳، ص ۱۹۲، آقای بزرگ تهرانی در سراسر کتاب ۲۵ جلدی الذریعة، کتابهای متعددی از سید هبة الدین نام برده که بر شمردن همه آنها در حوصله این نوشتار نیست.

۳. هبة الدین شهرستانی ستاره سامرا، ص ۸۹-۹۸؛ ریحانة الادب، جلد ششم، ص ۳۵۱.

۳۸ آیت الله شهرستانی

پیکر پاک فقیه فرزانه سامرا، بر دست‌های مؤمنان مشتاق
تشیع شد و در جوار بارگاه دو امام «حضرت امام موسی کاظم و
امام جواد (علیهما السلام)» در کاظمین به خاک سپرده شد.
مجالس ترحیم و سوگواری ایشان در نجف، کربلا، بغداد، ایران و
دیگر کشورهای اسلامی برگزار گردید.^۱

۱. هیئة‌الدین شهرستانی ستاره سامرا، ص ۹۹.

بخش دوم:
گزارش دیدگاهها

این بخش به عنوان پرونده علمی شامل آراء پژوهشی درباره هیبةالدین است. هدف اینست که محققین علاوه بر تحلیل و بررسی‌ها، پرونده علمی را در اختیار داشته باشند. گزارش‌هایی مانند ریحانة الادب بدون کم و کاست در این بخش آمده است.

گزارش ریحانة الادب^۱

سید محمد علی بن سید حسین عابد بن سید حسین صراف بن سید مرتضی بن سید محمد بن سید علی کبیر، ملقب به هبة الدین، معروف به شهرستانی، از مفاخر معاصرین علمای عظام و اکابر سادات شهرستانیّه کرام می باشد که نسب شریفش با سی واسطه به زید بن علی بن الحسین می رسد.

مادرش از سادات شهرستانیّه و از احفاد میرزا محمد مهدی شهرستانی سابق الذکر و جدّ چهارمینش سید علی کبیر یگانه باعث سور نجف و کربلا و آوردن آب به آن دو بلده طیبّه بود.

وی در ماه رجب هزار و سیصد و یکم هجرت در سامرا متولد شد، در ده سالگی به تحصیل مقدمات متداوله پرداخت، تا نه سال دیگر علاوه بر صرف ونحو و منطق و عروض و بدیع و معانی و بیان، از تاریخ و حدیث و ریاضیات نیز بهره ای بسزا برد سپس به نجف مشرف گردید و در حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی حاضر و در اندک زمانی بدرجه اجتهاد نائل آمد.

در سال چهارم هجرت که سال اوّل استقلال عراق بوده به امر ملک فیصل زمامدار کل آن نواحی، به وزارت معارف منصوب شد. در دوره ی وزارت خود که یازده ماه نبود، به اصلاحات

۱. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۳۵۰-۳۵۲.

۴۲ آیت الله شهرستانی

بسیاری در معارف دینی و مذهبی را با توجه خاص و مراقبت مخصوص در حفظ دیانت محصلین انجام داد. در ذیحجه‌ی سال هزار و سیصد و چهلم هجرت از آن مقام عالی به هر وسیله که بوده استعفا نموده و به تألیف مشغول شد.

وی در محرم سال ۱۳۴۲ق به امر حکومت عراق و تأکید علمای وقت، ریاست دیوان عالی تمیز که به مجلس تمیز جعفری نامیده می‌شد، منصوب گردید و مشغول انجام وظائف مقررّه بوده تا در سال ۱۳۵۳ق از طرف اهالی بغداد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و بعد از انحلال مجلس که نیز در ذیحجه‌ی همان سال بوده تمامی اوقات خود را در تألیف و مدافعه از حملات قلمی طاقت فرسای معاندین دین مبین مصروف می‌دارد.

ناگفته نماند که هبه‌الدین از سال ۱۳۴۲ق به درد چشم سختی مبتلا شد، در ۱۳۴۹ق برای معالجه به سوریه رفته و اثری ندید، بالاخره مردمک هر دو چشم او ضایع گردید و با این حال در با رضا به قضای الهی اصلاً اضطراب و فتوری در دلش راه نیافت و چنان‌که از خودش نقل شده است می‌توانست هر روز به هوای دست، چهل صفحه بنویسد و نزد او کتاب‌های لازمی را می‌خوانند و او تألیف و انشاء مقالات می‌نماید.

بخش دوم: گزارش دیدگاهها ۴۳

تألیفات طریقه و آثار قلمی او زیادند و نوعاً در موضوع آن مبتکر بوده و از آن جمله است:

۱. الامامة و الامة ۲. الجامعة الاسلامیة و العقائد القرآنیة (در اثبات اصول خمسة با آیات قرآنیه) ۳. الجن و الجن ۴. حکمة الاحکام (در فلسفه‌ی تشریح فقهی و هنوز ناتمام است)
۵. دین البشر فی الطریقه الصالحه لسیر الانسان (چاپ شده است) ۶. سراج المعراج (در تفسیر آیات معراجیه و حل مشکلات معراج) ۷. سیره خیر البشر (در تاریخ زندگانی حضرت رسالت (ص) با اسلوبی غریب و طرزی عجیب به طوری که خواننده‌ی آن ناچار از تصدیق رسالت آن بزرگوار است) ۸. الشریعة و الطبیعة (که طبیعیات عصر حاضر را با ظواهر شرع تطبیق می‌نماید) ۹. فغان اسلام (چاپ شده است) ۱۰. فیض الباری یا اصلاح منظومه سبزواری (که در بغداد چاپ شده است) ۱۱. فیض الساحل فی اجوبة مسائل اهل السواحل ۱۲. ما هو نهج البلاغه (که در بغداد چاپ شده است) ۱۳. المحيط که تفسیری است مبسوط، با اسلوب عصری و هنوز ناتمام است. ۱۴. المعارف العالیه للمدارس العراقیة (کتابی است دینی و علمی و فلسفی) ۱۵. مواقع النجوم فی تحقیق سماء الدنیا و الرجوم ۱۶. نقض الفرض فی اثبات حركة الارض ۱۷. نهضة الحسین (ع) ۱۸. وقایة المحصول فی

۴۴ آیت الله شهرستانی

شرح کفایة الاصول ۱۹. الهیئة و الاسلام (عربی و عهده‌دار
تطبیق هیئت جدید با ظواهر آثار دینیہ بوده و در بغداد چاپ
و ترجمه‌ی فارسی آن نیز در نجف به چاپ رسیده است) ۲۰.
یاقوت النحر فی میقات البحر.

غیر این‌ها که بسیار است و در هریک از حرمت تشبه و نقل
جنازه و ریش تراشیدن و حلیت متعه و مبطل روزه نبودن
دخانیات و ذوالقرنین و سد یا جوج و مأجوج و موضوعات
متنوعه‌ی دیگر و همچنین در جواب مسائل مختلفه علمیّه
گوناگون وارده از بلاد دیگر آثار قلمی بسیاری دارد که بسط
آنها در این مختصر نمی‌گنجد. صاحب ترجمه در حین طبع این
اوراق در حال حیات و در بغداد مقیم می‌باشند و توفیق
خدمات برجسته دینیّه‌اش را از درگاه خداوند خواهان است.

گزارش محمد قاسم هاشمی^۱

علامه بزرگوار، مجاهد فداکار، نابغه شرق، از نوادر دانشمندان، الگوی عملی و موفق علم و سیاست و بیان و قلم، صاحب تألیف و تصنیف بسیار، از اکابر علمای شیعه و مفاخر امامیه، سید العلمای الکاملین، معروف به آیت الله سید هبة الدین شهرستانی.

در مورد شرح حال و خدمات گوناگون علامه کبیر، آیت الله سید محمد علی (مشهور به هبة الدین) مطالبی به زبان‌های گوناگون منتشر گردیده است، اما آنچه در ذیل ارائه می‌گردد، توسط سید هبة الدین نوشته شده و در اختیار ناشر چاپ اول کتاب ارزشمند خود، *سلام و هیئت* قرار داده‌اند. این شرح حال با اندکی تغییر در الفاظ و نه در معنی، شامل موارد زیر است:

۱. تقسیم دوره زندگانی ایشان، که در سه بخش صورت گرفته است.
 ۲. خدماتی که برای دین اسلام و مردم مسلمان به انجام رسانده‌اند.
 ۳. کتاب‌هایی که تألیف و تصنیف نموده‌اند.
 ۴. مسافرت‌هایی که برای رسیدن به مقاصد عالیله اسلامی به هند، یمن، حجاز، سوریه و ایران نموده‌اند.
- شرح حال: نام گرامی این شهرستان دانش، محمد علی و لقبشان هبة الدین و شهرتشان شهرستانی است. چرا لقبشان «هبة الدین» است؟

۱. تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی، ص ۴۶۵-۴۸۶.

۴۶ آیت الله شهرستانی

هبة‌الدین، لقبی است که روز ولادت وی به ایشان داده شده است و سبب و علت آن این است که: دانشمند بزرگوار مرحوم آیت الله سید میرزا محمد علی (ثالث) فرزند علامه حاج میرزا محمد حسین شهرستانی (ثانی)، شب ولادت سید محمد علی (هبة‌الدین)، حضرت امام زمان (عج) را در خواب دیده که فرموده بودند: نام این مولود را «هبة‌الدین» بگذارید.

پدر هبة‌الدین، مرحوم سید حسین عابد فرزند سید محسن صراف فرزند سید مرتضی، فرزند سید محمد فرزند امیر سید علی کبیر بن سید منصور خراسانی^۱ ابن ابی المعالی مشهور به میر سید علی می‌باشد. امیر سید علی کبیر باعث آمدن آب

۱. اول کسی که از خاندان سید هبة‌الدین به کربلا مهاجرت نموده و آن شهر مقدس را برای سکونت اختیار کرده، سید منصور پدر امیر سید علی کبیر بوده است. این سید منصور شوهر خواهر استاد کل، وحید اصفهانی بهبهانی و فرزندش سید امیر علی کبیر نیز داماد خود استاد کل، وحید اصفهانی بهبهانی بوده است یعنی سید هبة‌الدین از دو جانب به استاد کل می‌رساند. یادآوری: آیت الله سید عباس حسینی کاشانی از علمای بزرگ و مؤلفین پرکار، در قم می‌فرمودند: «اصل خاندان سید هبة‌الدین هندی می‌باشد». (اصل هندی که صحت ندارد، شاید اجدادشان برای مدتی زیاد در آن سرزمین سکونت داشته‌اند. آقای سید علی حسینی شهرستانی هم یادآوری نموده‌اند که، سخنان آیت الله کاشانی شاید ناظر بر این باشد که همسر سید هبة‌الدین [مادر سید زید] هندی بوده است).

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۴۷

آشامیدنی به کربلا و نجف و باعث ایجاد بنای سور (دیوار شهر کربلا) گردیده است.^۱

نسب شریف سید هبة‌الدین با سی واسطه به زید شهید فرزند حضرت امام زین‌العابدین (ع) منتهی می‌گردد. اگر همه نیاکان او را نگوئیم، غالب آنها در هر دوره، مقام روحانیت و ریاست مسلمین را عهده‌دار بوده‌اند و این سلسله را فروعی است که در کربلا و نجف و کاظمین و سامراء، وسایر شهرهای عراق سکونت داشته و دارند، از یک قرن پیش هم، تنی چند از این سلسله جلیله به ایران مهاجرت کرده و در تهران، همدان و کرمانشاه ساکن شده و بعضی از آنها به ریاست دینی نیز رسیده‌اند.

بخش اول دوره زندگانی سید هبة‌الدین: سید هبة‌الدین در ظهر روز سه شنبه ۲۳ ماه رجب سال ۱۳۰۱ق در شهر سامرای عراق متولد گردیده و در دامن پاک مادر و در زیر سایه و تربیت پدر، تا سال دهم، نشو و نمو نموده و از سال دهم به تحصیل مقدمات و دروس ابتدائیه مشغول گردیده و تا سال نوزدهم، سطوح، صرف، اشتقاق، نجو، منطق، معانی و بیان، بدیع و عروض را تکمیل و از علوم حساب، هندسه، هیئت، تاریخ، آثار، اخبار، حدیث، رجال و درایه هم، فارغ‌التحصیل گردیده است. سید هبة‌الدین چون قریحه تألیف مثل تعلیم علوم در

۱. به نقل از الدرر، جلد ششم.

۴۸ آیت الله شهرستانی

وجودش از موهبات الهی بود، لذا از همان اوان جوانی کتاب‌هایی در علوم مزبور تألیف می‌نمودند.

سید هبة الدین در سال نوزدهم زندگانی خود را از کربلای معلی به نجف اشرف (که مرکز و نشیمن گاه علما و روحانیون بزرگ شیعه و محل تکمیل دروس نهائی بود) عزیمت فرموده و از مجلس درس اساتید بزرگواری همچون: علامه وحید آیت الله آخوند خراسانی، آیت الله یزدی، آیت الله شریعت اصفهانی و قبل از آن، از علامه حاج میرزا محمد حسین حسینی مرعشی شهرستانی (ثانی) استفاده نموده است^۱ و به جهت جودت فکر و حدت فهم، در اندک زمانی به مقام عالی اجتهاد نایل گردید و خود یکی از اساتید بزرگ شد و شاگردان زیادی را نیز تحت تعلیم و تربیت قرار داد که از جمله‌ی آنها، مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی می‌باشد، که در نجف، کربلا و کاظمین عقاید را از سید هبة الدین فراگرفته است. همچنین مرحوم مرعشی از مرحوم هبة الدین شهرستانی، اجازه نقل روایت نیز دریافت نموده است.^۲

۱. حجت‌الاسلام حاج سید علی حسینی شهرستانی، یادآوری نموده‌اند، استفاده از محضر درس آیت الله سید محمد علی فرزند حاج میرزا محمد حسین، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. زیرا پدر سید هبة الدین، شاگرد علامه میرزا محمد حسین بوده است.

۲. شهاب شریعت، درنگی در زندگی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، صفحات ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۵۹، ۱۸۰، ۱۸۷.

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۴۹

بخش دوم: خدمات مسلمین: سید هبة‌الدین در اواخر سال بیستم زندگانی خود مشغول بحث از اسرار احکام شرعیّه و فلسفه‌ی قوانین دینی شد و هیئت قدیم را نیز تحصیل نمود و ریاضیات و طبیعیات را نیز به درجه کمال رسانیده و جهت فهمیدن سرّ برتری غریبان و علّت عقب ماندگی مسلمانان و اوضاع نابسامان کشورهای اسلامی، به مطالعه کتب و مجلات و نشریات کشورهای غربی پرداخت و از طرفی ماهنامه‌ها و روزنامه‌های دینی و علمی کشورهای هند و مصر را مشترک گردید، تا مرتب آن‌ها را مطالعه نماید. (آن هم در عصر و زمانی که مطالعه‌ی اینگونه نشریات برای یک طلبه‌ی جوان تازگی داشت) از همان زمان هم شروع به نشر مقالات مفید و گفتارهای سودمند در جراید و مجلات نمود، وی در تطبیق فلسفه جدید با ظواهر شرعی، قدرت خوبی پیدا کرد و فکر خود را صرف این نمود، که کشفیات مستحدثه را با ظواهر کتاب و سنت در ترازوی عقل بسنجد، هر قدر هم که این فکر خود را جلوتر می‌برد، آن را صائب‌تر می‌دید، بر روی همین اصل بود، که به تألیف *الهیّة و الاسلام* (اسلام و هیئت) اقدام نمود این کتاب در سال ۱۳۲۷ق به چاپ رسیده است.

سپس کتاب *الشریعة و الطبیعة* را نیز تألیف نمود و قوانین حکمت‌های اروپا و احکام اجتماعی آن‌ها را به دست آورده و

۵۰ آیت الله شهرستانی

با احکام دیانت اسلام تطبیق نموده‌اند. در این موضوع نیز چند کتاب نوشته‌اند بنام‌های *فقه حیّ*، *دلیل القضاة*، و *حکومة الحق*.

سید هبه‌الدین در سال ۱۳۲۴ق با آزادیخواهان ایران، هم‌آواز شده و مردم ممالک اسلامی را به خواستن آزادی و مشروطه تشویق و تحریص کرده و در این موضوع مقالاتی نوشته و در جراید فارسی و عربی منتشر می‌نمودند و پس از آن‌هم، با آزادیخواهان کشور عثمانی در تأسیس بنیاد مشروطه و انجمن‌ها و کمیسیون‌های سرّی و علنی مشارکت می‌جست.

از سال ۱۳۲۸ق نیز با کمک چندتن از همکاران روشنفکر خود، ماهنامه‌ای دینی، فلسفی و علمی را به نام *العلم* منتشر نمود و به معرفی معارف اسلام و شناساندن علوم دینی پرداخت. ضمناً ماهنامه مزبور، میدان جنگی بود که در آن با کوفته نظران، محاربه قلمی می‌نمود.

ناگفته نماند که انتشار چنین مجله‌ای در همچون دوره‌ای بی‌خطر نبود زیرا تا آن زمان در عراق مجله‌ای به این آزادی منتشر نشده بود، ولی ایشان با شهادت تمام مقاومت فرموده و به آن حملات اعتنائی نمی‌نمودند. تا اینکه در سال ۱۳۳۰ق این مجله توقیف شد، لیکن سید هبه‌الدین کار خود را از راه تأسیس دو مدرسه «اصلاح» و «اسلام» که نقش آنها آموزش تعلیم و

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۵۱

تربیت فرزندان مسلمین و حفظ آنها از تبلیغات زهرآگین بیگانگان بود ادامه دادند.

در همان دوران هم در برخی از نشریات شرقی و غربی خواننده بودند، که در بحرین، گروهی از مبلغان مسیحی، دین مسح را به مسلمین تبلیغ نموده و عده‌ای را منحرف کرده‌اند و از طرفی آگاه شدند که در میان گروهی از مردم ژاپن، تمایل به دین اسلام احساس می‌شود. لذا سید بزرگوار (که خود را در مقام اصلاح و ترویج حقایق می‌دیدند) مایل شدند که به ژاپن مسافرت نمایند. و در مسیر خود در بحرین نیز از فعالیت مبلغین مسیحی جلوگیری کنند و این نیت را بهتر از نشر ماهنامه «العلم» دانسته، لذا دست از نگارش ماهنامه برداشتند و تدارکات سفر را مهیا نمودند و در ماه رمضان المبارک ۱۳۳۰ق به سوی مقصد رهسپار شدند.

ایشان در بحرین به مدت دو ماه توقف نمودند و عملیات مبلغین مسیحی را تحت نظر و مطالعه قرار دادند و متوجه شدند که نوشته‌های جراید، همه‌اش صحت نداشته و از روی اغراق بوده است، اما در آنجا گروهی بوده‌اند که بنام مدرسه و دعوتخانه، مشغول تبلیغ دین مسیح هستند، سید هیبة‌الدین هم با تدابیر حسنه و ارزشمند خود، موفق شدند تا دو مدرسه اسلامی، یکی به نام «اصلاح» و دیگری به نام «اسلام» و یک دعوتخانه تأسیس نمایند، که در نتیجه مبلغین مسیحی در ادامه کار خود

۵۲ آیت الله شهرستانی

توفیقی بدست نیاورده و تشکیلات بی‌بنیاد آنان در هم ریخت و کارکنان آن پراکنده شدند. سید هم پس از اتمام کار خود در بحرین، عازم شبه قاره هند شدند، تا در آنجا نیت‌های خود را عملی سازند و از آن طریق راهی مقصد اصلی خویش ژاپن گردند. سید هبه‌الدین در مسیر خود به سوی ژاپن وارد شهر کلکته شدند و در آنجا بود که شادروان سید جلال‌الدین مؤید الاسلام حسینی کاشانی، نویسنده روزنامه «حبل المتین» حضرت معظم‌له را از اقدام به این سفر بازداشتند. آن سید ارجمند و توانا هم از ادامه مسافرت به ژاپن منصرف شده و از طریق یمن، حجاز و سوریه به عراق مراجعت نمودند.

سید هبه‌الدین به هر شهر و کشوری که وارد می‌شدند، ضمن تماس و ملاقات با علما و مؤمنین، انجمنی را تأسیس می‌کردند، تا اهداف عالی اسلامی ایشان را پیگیری کند. در شهر نجف اشرف هم، یک انجمن مرکزی برای نظارت بر دیگر انجمن‌ها پایه‌گذاری نمودند، غرض از این مسافرت‌ها و تأسیس این انجمن‌ها فقط نشر حقایق دین مبین اسلام بود.

متأسفانه در ماه رمضان سال ۱۳۳۲ق، جنگ بین‌الملل اول شروع شد و رابطه میان کشورها قطع گردید و انجمن‌های مورد بحث هم منحل و راکد گردید و سید هبه‌الدین موفق به انجام کامل مقصود خود نشدند.

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۵۳

آیت الله سید هبة‌الدین، به دنبال قیام نهضت انقلابیون عراق، به ریاست میرزای مجاهد شیرازی که برای استقلال عراق آغاز گردیده بود، از اوایل سال ۱۳۳۳ تا آخر ربیع‌الثانی ۱۳۳۴، برای جهاد با نیروهای استعمارگر انگلیسی (که عراق را اشغال نظامی نمود و پایگاه خود قرار داده بود) در سرتاسر جبهه‌های مبارزه از جمله سواحل فرات تا بصره و از دجله تا کوت العماره به محاربه و مجاهده مشغول گردیدند.^۱ تا اینکه حکومت ملی عراق با سلطنت ملک فیصل اول تشکیل شد و سید هبة‌الدین برای شرکت در هیأت دولت عراق دعوت گردیدند، آن سید بزرگوار هم از فرصت مناسب پیش‌آمده استفاده کرد و در دولت جدید عراق در مقام وزارت فرهنگ و معارف شرکت نمودند، تا هرچند بهتر بتوانند در آموزش مسائل دین اسلام مؤثر واقع گردند. علاوه بر امر وزارت (که جداگانه بیان خواهد شد) و حضور فعال سید هبة‌الدین در نهضت انقلابیون عراق که برای استقلال عراق صورت گرفته بود، آن مرد بزرگ سال‌های زیادی در حوزه علمیه عراق سرگرم تحقیقات علمی در فنون مختلف بودند

۱. علمای بزرگ شیعه، از کلینی تا خمینی، ص ۴۲۶ و ۴۲۷؛ مورخ معاصر، سید عبدالرزاق حسنی، در کتاب *الثورة العراقية الكبرى*، چاپ لبنان، علامه هبة‌الدین شهرستانی را جزو رهبران انقلاب عراق برشمرده‌اند.

۵۴ آیت الله شهرستانی

که حاصل ارزشمند آن تربیت شاگردان توانا و تصنیف کتاب‌های زیادی بوده است که در جای خود ارائه می‌گردد.

بخش سوم: از اسارت تا وزارت: از شوال سال ۱۳۳۸ق تا رمضان سال ۱۳۳۹ دوره زندگانی سید، گاهی در اوج و گاهی در حضيض بوده و ما نمی‌توانیم چگونگی درست آن را شرح و بسط دهیم. اما چون کیفیت رسیدن ایشان به وزارت معارف حکومت عراق به اندازه‌ای جالب بوده که می‌توان گفت در هیچ دوره‌ای چنین پیش آمد تاریخی برای کسی رخ نداده است (که از حضيض اسارت به اوج وزارت ترقی نماید) مختصر این تفصیل در ذیل ارائه می‌گردد.

در سال ۱۳۲۸ق ایشان وارد انقلاب استقلال عراق شده و تحت ریاست «آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی» با دشمنان کشور و استعمارگران غربی در نبرد بوده‌اند. و مدت چهار ماه کربلا و بعضی بلاد دیگر عراق که مردم آن بر ضد حکومت بیگانگان قیام نموده بودند، در تحت حکومت شریعه و تشکیلات جدید اسلامی، اداره می‌شد و در چند منطقه، مسلمانان وطن دوست برای رهنیدن وطن عزیزشان از چنگ اجانب، با دشمنان

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۵۵

بیگانه و داخلی، در حال جنگ بودند و در همه این پیش آمدها، سید بزرگوار خدمات شایانی انجام دادند.^۱

در بحبوحه این جنگ و جدال بود، که آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی، به رحمت ایزدی پیوسته و بال و پر مردان غیور و تازیان سلحشور شکسته و اجانب چیره شدند و سید هبة الدین با ۳۹ نفر دیگر دستگیر و اسیر گردیدند و از سوی دادگاه عمومی جنگ، سید بزرگوار محکوم به اعدام شدند. اما سید عزیز هبیچ خود را نباخته و به همین منوال مدت ۹ ماه از زندگی خود را در زندان گذرانیدند، تا اینکه در سال ۱۳۳۹ق از سوی حکومت انگلیس، فرمان عفو عمومی صادر شد و ایشان هم از زندان مرخص گردیدند و به فاصله سه ماه پس از آن، در سال ۱۳۴۰ق، به پیشنهاد ملک فیصل (اول) و اصرار علمای اعلام، مقام وزارت معارف را قبول فرمودند.

سید هبة الدین در وزارت فرهنگ عراق: کشور عراق در اثر فشارهای گوناگون اجانب، چنان سقوط کرده بود، که دیگر

۱. در همان زمان مرحوم میرزای شیرازی علاوه بر مبارزات ضد استعماری و دادن فتوای جهاد اکتفا نکرد و یک محفل سری هم تشکیل داد که اعضای آن را تنی چند از علمای مبرز و روحانیون مجاهد و مبارز به نام‌های شیخ مهدی خالصی، سید هبة الدین شهرستانی و سید ابوالقاسم کاشانی تشکیل می‌دادند (فقهای نامدار شیعه، ص ۳۸۵).

۵۶ آیت الله شهرستانی

امیدی به رشد و ترقی در پیکره‌ی آن وجود نداشت. ولی از سعادت و پیروزی مردم آن کشور این بود، که در نخستین استقلال نسبی عراق، سید هبة‌الدین برای وزارت فرهنگ و معارف انتخاب شدند. این انتخاب قدم بزرگی بود که در راه اصلاح معارف برداشته شد و شاید ملک فیصل می‌دانست که دوران جوانی حکومت عراق در پیش است و باید از راه معارف، آن را به کمال رسانید، و غیر از سید هم کسی توانائی این وظیفه را ندارد و همین طور هم بود.

سید بزرگوار به پیشنهاد ملک فیصل اوّل و اصرار جمعی از علمای واقع بین و آشنا به مسائل و اوضاع روز، به وزارت فرهنگ منسوب شد. وی با حفظ لباس روحانیت شیعه، پس از ورود به وزارت معارف، کارهای برجسته‌ای را آغاز نمود و در طول مدت تصدی خود، منشاء خدمات دینی- علمی ذی‌قیمتی گردید و در جهت اصلاح امور معارف قدم‌های چندی به شرح ذیل برداشت.

۱. پست‌ها و مقامات مسؤولین و استادان بیگانه را به کارمندان و آموزگاران وطنی واگذار و وزارت معارف را به طور کلی از بیگانگان خالی نمود و این معنی واضحی بود، که بیگانه مانند آشنا کار نخواهد کرد.

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۵۷

۲. در هر وزارتخانه یک مستشار انگلیسی وجود داشت! و مستشار وزارت معارف، کاپیتان فارل بود، سید بزرگوار، او را هم از مقام خود کنار گذاشت و این چنین اقدامی را هیچ یک از وزیران قدیم و جدید به انجام نرسانده بودند و این کار تنها از جهت حسن وطن دوستی و دین پرستی سید والامقام بود.

۳. اعزام عده‌ای از محصلین، برای کسب علم و دانش به سوریه و اروپا.

۴. افتتاح مدارس زیادی در سطح کشور عراق و مدارس سیاری برای اعزام به مکان عشایر و مدارس متوسطه و مدارس صنعتی در ایالات، بدون زیاد کردن بودجه دولتی.

۵. تشکیل مجالس معارف در ایالات عراق، تحت ریاست والی هر ایالت و انجمنی در بغداد که مرکز مجالس مذکور باشد و این مجالس در پیشرفت علم و اخلاق و روحیات مردم عراق تأثیر مهمی داشت.

۶. برای پیشرفت مقاصد عالییه اسلامی، فرمانی برای مسؤلین استان‌ها و شهرستان‌های عراق صادر نمود، که از مسؤلین کمک گرفته شود و به مصرف هزینه مؤسسات جدید برسد و این قدم برجسته، از خصایص دوره وزارت ایشان بود که پیش از آن و پس از آن، کسی دیگر موافق بدان امر نشده است.

۵۸ آیت الله شهرستانی

۷. تأسیس بناهای تازه برای مدارس جدید و بازپس دادن مدرسه صنایع بغداد که تحت تصرف دولت انگلستان بود، با سایر املاک و مستغلات موقوفه.

۸. تغییر اصول تدریس به اسلوب خوب و صحیح، با مشاوره و موافقت آراء دانشمندان بزرگ و تقسیم مراکز مدیران به پنج قسمت، که تعلیم مناطق پنج‌گانه را پس از یکسال، وزارت ایران اقتباس و اجرا نمود.

۹. توجه مخصوص به دیانت محصلین و امر به اقامه نماز جماعت (به خصوص در عصر و ظهر در دارالمعلمین‌ها).

مدت وزارت سید بیش از یازده ماه نشد. و ایشان از سمت خود استعفاء دادند و به امر تألیف پرداختند. اما در همین مدت کوتاه کارهای برجسته‌ای انجام داد، که هنوز هم عملی و مورد توجه است.

در سال ۱۳۴۲ق باز به امر پادشاه عراق و اصرار علمای اعلام به ریاست «دیوان عالی تمیز» که موسوم به مجلس تمیز جعفری شد، نائل گردیدند. سید تا سال ۱۳۵۳ یعنی به مدت یازده سال ریاست مجلس مزبور را بر عهده داشتند و پس از آن منفصل و از ایالت بغداد به نمایندگی «مجلس شورای ملی» انتخاب شدند. اما بنا به عللی در همان سال، مجلس مذکور منحل گردید و سید

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۵۹

هبة‌الدین با افکار نوگرایی که داشت، به انجام خدمات برجسته علمی-دینی مشغول گردیدند.

از پیش درآمدهای ناگوار در زندگی سید، درد شدید چشم‌هایش بود که در ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۴۲ شروع گردیده بود. ایشان در سال ۱۳۴۶ برای معالجه به سوریه رهسپار گردیدند، که از معالجات به عمل آمده نتیجه‌ای نگرفتند و سرانجام نیز به ضایع شدن مردمک‌های چشم ایشان خاتمه یافت. بنا به گفته خودشان:

«در اثر این مصیبت ناگوار می‌بایست از غصه دلم ترکیده و مرده بودم، ولی خداوند متعال به بنده لطف فرموده، که هر روزی می‌توانم به عادت دست، چهل صفحه مطلب بنویسم»^۱ نحوه کار این بود که کتب را برای سید می‌خواندند و سید تألیف کتاب و انشاء مقالات را انجام می‌دادند.

۱. محمد شریف رازی مؤلف ارجمند کتاب ۹ جلدی گنجینه دانشمندان، در صفحه ۲۵۹ از جلد اول کتاب خود در این باره نوشته‌اند: «معظم‌له از اکابر علما و اعظم دانشمندان شیعه و مفاخر امامیه و مسلمین بودند، با این‌که دشمنان دین اسلام یعنی انگلیسی‌ها او را از بینایی و چشم محروم نمودند و به گفته یکی از علمای بزرگ مصر «دو چشم علم و سیاست را کور نمودند» وی از تصنیف و تألیف و تدریس غفلت نموده و روز خود را مصروف این موضوع داشتند...».

۶۰ آیت الله شهرستانی

تألیفات و تصنیفات: آیت الله شهرستانی با احاطه در علوم معقول، منقول، تفسیر، حدیث، هیئت، نجوم، شعر، ادب و علوم روز که در آن زمان از یک روحانی تازگی داشت، توانست ضمن جهادی سیاسی و فرهنگی عصر، کتاب‌های گرانقدری به عربی و فارسی تألیف نماید.

این دانشمند گرانمایه، چنانکه اشاره شد، از اول تحصیل قریحه تألیف در ایشان از موهبات الهی بود و در همه ادوار زندگی خود غیر از ده سال دوران کودکی، به نگارش کتاب‌های سودمند مشغول بود و تا سال نوشتن اصل این شرح (در ابتدای کتاب «اسلام و هیئت») بیشتر از صد جلد کتاب در فنون مختلفه تألیف نمود.

کتابخانه سید هبة‌الدین: مرحوم سید هبة‌الدین، دارای یک کتابخانه شخصی بوده و در زمان تألیف کتاب طبقات/اعلام الشیعه، توسط شیخ آقا بزرگ تهرانی، ۲۵۰۰ جلد کتاب داشته که تعداد آن ۵۰۰ جلد آن خطی و ۲۰۰۰ جلد دیگر آن چاپی بوده است. در سال ۱۳۶۰ق از این تعداد کتاب، ۱۲۰۰ جلد آن به کتابخانه «الجوادین العامة» اهداء گردیده و مابقی آن، در منزل شخصی علامه سید هبة‌الدین نگهداری می‌شده است.^۱

۱. طبقات اعلام الشیعه الضیاء اللامع فی قرن التاسع، ص ۱۹۱.

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۶۱

شیخ محمد شریف رازی، مولف کتاب ۹ جلدی گنجینه دانشمندان، درباره کتابخانه جوادین نوشته‌اند: مرحوم مبرور سید العلماء الکاملین، آیت الله سید هبة‌الدین شهرستانی، از اجلای علمای معاصرین کاظمین بودند و در صحن شریف، کتابخانه جوادین را تأسیس نمودند، آن مرحوم غالب اوقات را در آنجا تشریف آورده و دانشمندان از محضر و بیانش بهره‌مند می‌شدند.^۱

فوت

سید هبة‌الدین، این رادمرد بزرگ علم و دین و جهاد و سیاست، پس از یک عمر نسبتاً طولانی و پر خیر و برکت، سرانجام در روز ۲۵ شوال سال ۱۳۸۶ق در سن ۸۶ سالگی در شهر کاظمین وفات یافت و در جوار مرقد مطهر حضرت امام موسی کاظم و حضرت جواد الائمه(ع) مدفون گردید.

۱. گنجینه دانشمندان، جلد ششم، ص ۳۱۱.

توصیف رجبی^۱

سید هبه‌الدین شهرستانی، از علما، متفکران و دانشمندان اصلاح طلب و مجاهد شیعه عراق در قرن چهاردهم هجری است، او محمد علی نام داشت و فرزند سید حسین و از خاندان معروف شهرستانی بود. وی در روز ۲۴ رجب ۱۳۰۱ق در سامرا به دنیا آمد و زیر نظر پدرش پرورش یافت. مادرش، سیده مریم نیز بانوی پرهیزگاری بود که در ریاضیات، تاریخ جهان، شعر، ادب و علم الانساب، سرآمد زنان روزگار خود بود.

در سال ۱۳۱۲ق که میرزا حسن شیرازی درگذشت پدر سید از سامراء به کربلا رفت و محمد علی مبادی علوم را نزد پدر و مقامات را نزد عده‌ای از فضلا خواند. در ذی‌قعدة ۱۳۱۹ق پدرش درگذشت و او برای تکمیل درس‌هایش به نجف اشرف مهاجرت کرد (۲۱ شعبان ۱۳۲۰ق) و در حلقه درس مجتهدان بزرگی چون آخوند خراسانی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی درآمد تا آنکه به جایگاه بلندی در علم و فضل و ادب دست یافت و تعدادی از علما به اجتهاد او شهادت دادند. وی علاوه بر علوم متعارف، دانش هیئت قدیم را از شیخ محمد باقر اصطهبانی فراگرفت.

۱. علمای مجاهد، ص ۲۶۹-۲۷۲.

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۶۳

سید محمد علی از دوران جوانی به عنوان عالمی روشن، خردمند، کوشنده و با همت و آگاه به اندیشه‌های جدید و اصلاح طلب معروف بود. او از همان آغاز با علما و متفکران معروف اهل سنت رابطه فکری برقرار کرد، از جمله با شیخ محمد عبده مفتی مصر، سید محمد رشیدرضا صاحب مجله المنار و با ناشران و نویسندگان مجلات المقتطف و الهلال تماس برقرار نمود و پیوندی مستحکم میان پایگاه علمی جهان تشیع و مراکز فرهنگی مصر و سوریه پدید آورد و در نتیجه‌ی آن، مقالات، اشعار و گزارش‌هایش در مجلات جهان عرب انتشار یافت.

وی تدریس فلسفه و دانش‌های عقلی متروک در حوزه‌های علمیه را در دستور کار خود قرار داد و در سخنرانی‌ها و نوشته‌های گوناگون خود، دانشجویان و مردم را به آموختن دانش‌های نوین فرا می‌خواند.

در جریان جنبش مشروطه ایران در ۱۳۲۴ق، علاوه بر انتشار مقالات و ایراد سخنرانی در تأیید آن، در نشست‌های آشکار و پنهان مشروطه خواهان شرکت می‌کرد.

وی در سال ۱۳۲۸ق ماهنامه دینی، فلسفی و علمی العلم را منتشر ساخت که از مهمترین مجلات فکری و سیاسی آن زمان به شمار می‌آمد. مقالات آن عموماً از ویژگی خاصی برخوردار بود. و این اندیشه را رواج داد که میان اسلام و علم هیچ تناقضی

۶۴ آیت الله شهرستانی

وجود ندارد. این مجله به همان اندازه که مورد استقبال استادان اندیشمند و طلاب فاضل حوزه‌های قرار گرفت. با مخالفت سنت‌گرایان نیز مواجه گردید و بدین ترتیب انتشار آن بیش از دو سال به طول نیانجامید

کتاب *الهیة و الاسلام* او - که در همین دوران نوشته شد - رساله‌ای فلسفی سیاسی بود که به هماهنگی شریعت اسلامی با برخی از وجوه تمدن و فرهنگ غرب یعنی اکتشافات علمی خصوصاً علم هیئت و فلسفه‌های جدید، می‌پرداخت. البته با تکیه او عمدتاً به شریعت و میراث اسلامی بود. وی از احیاگران تفکر اصیل اسلامی به شمار می‌رود.

شهرستانی پس از اطلاعات از تبلیغات وسیع هیأت‌های تبلیغی مسیحی در بحرین و گرویدن گروهی از مردم به مسیحیت، در رمضان ۱۳۳۰ ق عازم آن سرزمین گردید و راجع به ادعاهای و تشکیلات آن‌ها پژوهش کرد و سپس دو مدرسه اسلامی جدید به نام «اصلاح» و «اسلام» را برای آموزش کودکان و نوجوانان تأسیس نمود. علاوه بر آن به ایراد سخنرانی و تشکیل انجمن‌های اسلامی گوناگون پرداخت و سرانجام همه تلاش‌های مبلغان مسیحی را بی‌اثر ساخت. سپس عازم سرزمین هند گردید، زیرا که مسلمانان هند زیر فشارهای سیاسی- فرهنگی فراوان از سوی انگلستان، هندوهای افراطی، و نیز علمای متحجر آنجا قرار

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۶۵

داشتند. وی در آن کشور نیز به ایراد سخترانی و انتشار مقاله در مجلات گوناگون پرداخت و انجمن‌های اسلامی متعددی تأسیس کرد و تصمیم داشت که به ژاپن سفر کند اما با آغاز جنگ جهانی اول در رمضان ۱۳۳۲ق از آن کار منصرف شد و به یمن و از آنجا به حجاز رفت و سپس به نجف بازگشت.

ایشان بر آن بود تا با ایجاد انجمنی مرکزی در نجف، همه‌ی تشکیلات و انجمن‌های اسلامی را به یکدیگر پیوند داده و ارتباط فعالی میان آنها برقرار کند، اما با استمرار جنگ جهانی اول و اعلام جنگ متفقین بر ضد عثمانی و به دنبال آن حمله نیروهای انگلیسی به جنوب عراق، آیت الله شهرستانی همانند بسیاری از مراجع و علمای شیعه عراق، بر ضد آنها فتوای جهاد صادر نمود. در فتوای او آمده بود: «جهاد بر همه مسلمانان جهان، واجب عینی است، حتی کسانی که زیر سلطه بریتانیا، فرانسه و روسیه به سر می‌برند باید برای مقاومت در برابر این سه دشمن اسلام، متحد شده با آنها به نبرد برخیزند. بر همه مسلمانانی که در این کشورها زندگی می‌کنند واجب است از یاری متفقین در حمله به دولت عثمانی امتناع ورزند، هرچند که در معرض اعدام قرار گیرند...».

این فتوا در ۲۳ محرم ۱۳۳۳ق در همه مساجد بغداد خوانده شد و سپس ایشان، همراه با گروهی از علمای عتبات و هزاران

۶۶ آیت الله شهرستانی

تن از مجاهدان داوطلب، با حمل پرچم مرقد مطهر امیرمؤمنان(ع) رهسپار جبهه‌های نبرد گردید.

در طول مسیر، شهرستانی به همراه شیخ الشریعه اصفهانی در کاظمین، به دیدار علمای اهل سنت شتافت و از اداره مجله صدای اسلام که توسط علمای اهل سنت منتشر می‌گردید بازدید کرد. وی در مسیر راه برای جذب نیروهای مردمی تلاش می‌کرد و ضمن استقرار در مرکز فرماندهی، به تقویت سنگرها نیز می‌پرداخت.

پس از شکست و ناکامی مجاهدان در جنگ با نیروهای انگلیسی، وی به فعالیت‌های علمی روی آورد، از اینرو دعوت معاون فرماندار سیاسی کربلا را برای تصدی امر قضاوت آن شهر در ۱۳۳۷ق پذیرفت. کمتر از دو سال پس از استیلای انگلیس بر عراق و به سبب تحقیر و بدرفتاری و سخت‌گیری نیروهای انگلیسی، خشم و نفرت از آنها سراسر شهرهای شیعه نشین را فرا گرفت. در آن زمان وی به همراه شیخ محمدرضا شیرازی، سازمان سرّی «الجمعية الوطنية الاسلامیة» (جمعیت نهضت اسلامی) را ایجاد کرد. هدف این گروه بیرون راندن اشغالگران و استقلال عراق بود. در شب نیمه شعبان ۱۳۳۸ق، جلسه سرّی مهمی جهت تصمیم‌گیری در مورد تاریخ شروع و شیوه مبارزه با نیروهای اشغالگر انگلیسی در کربلا تشکیل شد که در آن

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۶۷

شهرستانی، سید ابوالقاسم کاشانی، عبدالکریم جزایری و علمای دیگر شرکت داشتند. وی همچنین جزو اعضای شورای سوری انقلاب بود که میرزا محمد تقی شیرازی آن را برای سازماندهی انقلاب ایجاد کرده بود.

بعد از اینکه قیام مردم عراق با یورش عشایر رُمیته به نیروهای اشغالگر انگلیسی آغاز شد، میرزای شیرازی، سید هبة‌الدین شهرستانی و میرزا احمد خراسانی را به بغداد اعزام کرد تا با ویلسون، حاکم انگلیسی عراق مذاکره کرده و او را به پیشنهاد آتش‌بس متقاعد سازند. اما چون ویلسون حاضر به پذیرش پیشنهادهای میرزا نشد، شعله‌های قیام و انقلاب از کربلا گذشت و بیشتر نقاط عراق را فراگرفت. در این هنگام رسیدگی به وضعیت جبهه‌های گوناگون، یافتن شیوه‌های مطمئن‌تر و سریع‌تر پیروزی، بررسی دلایل شکست‌ها، رفع کمبودها و تقویت و آماده نگاه‌داشتن روحیه رزمندگان، همه در زمره وظایف شورای انقلاب و سید هبة‌الدین جای داشت. مجاهدان رزمنده نیز گزارش فعالیت‌های خود را برای او می‌فرستادند و از وی چاره‌جویی می‌کردند.

با وجود تلاش و مجاهدت فراوان اعضای شورای انقلاب و از جمله شهرستانی، اختلافات سنتی عشایر و قبایل که در زمان حیات میرزای شیرازی فروکش کرده بود پس از درگذشت

۶۸ آیت الله شهرستانی

نابهنگام وی، بار دیگر شعله‌ور گردید. بدین ترتیب از یک سو شکاف میان عشایر و از سوی دیگر طولانی‌شدن نبرد و فشار روز افزون نظامی، سیاسی و اقتصادی انگلیسی‌ها، وضع مجاهدان و سرنوشت قیام را به تیرگی می‌کشاند. از اینرو شهرستانی برای جلوگیری از ناکامی آشکار قیام، در نامه‌ای که به حاکم انگلیسی جدید عراق نوشت، مسئولیت قیام را به گردن ویلسون انداخت و از او خواست تا باب گفتگو و مذاکره را برای یافتن صلحی شرافتمندانه باز کند.

حاکم جدید عراق، شرایطی برای صلح اعلام کرد که از جمله آن تسلیم هفده نفر از رهبران انقلاب به مقامات انگلیسی بود. که از جمله‌ی آنها سید هبة‌الدین شهرستانی، سید ابوالقاسم کاشانی، سید حسین قزوینی، شیخ محمد خالصی زاده و... بودند و بدین ترتیب شهرستانی و چند تن دیگر توسط عوامل وابسته دستگیر و تسلیم مقامات انگلیسی شدند. شهرستانی به اتهام شرکت در رهبری قیام به اعدام محکوم شد، اما با صدور فرمان عفو عمومی، پس از ۹ ماه اسارت، در ۱۳۳۹ق آزاد گردید.

اندکی بعد که فیصل از سوی انگلیسی‌ها به پادشاهی عراق رسید، در صدد برآمد تا برای کسب وجهه و اعتماد عمومی از افراد خوشنام برای اداره امور کشور دعوت به عمل آورد. از اینرو سه ماه پس از آزادی شهرستانی، به وی پیشنهاد کرد تا

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۶۹

وزارت معارف را بر عهده گیرد. وی نیز پس از مشورت با علمای برجسته و اصرار آنان، این سمت را پذیرفت.

شهرستانی در طول مدت کوتاه وزارتش (یازده ماه) دست به اقدامات مهمی زد، از جمله وزارت معارف را از وجود مستشاران انگلیسی پاکسازی کرد و به جای آن‌ها از کارشناسان عراقی استفاده نمود؛ دانشجویان بسیاری را برای ادامه آموزش به سوریه و کشورهای پیشرفته اعزام کرد؛ برای عشایر مدارس سیار به وجود آورد؛ مبلغ سیصد هزار روپیه کمک از سرمایه‌داران عراقی برای ساخت و تجهیز مدارس گردآوری نمود، کشور را به پنج منطقه آموزشی تقسیم کرد و اصول تدریس را به شکلی نو دگرگون ساخت و دستور داد تا نماز جماعت در سراسر مدارس و با شرکت همه دانش‌آموزان و معلمان برگزار شود.

اقدامات اساسی شهرستانی با مخالفت عوامل انگلیسی روبرو گردید. از اینرو او پس از یازده ماه خدمت صادقانه در ۲۰ ذیحجه ۱۳۴۰ ق استعفا داد و مدتی بعد به ریاست دیوان عالی تمییز منصوب شد. وی در این سمت چندین سال انجام وظیفه کرد و به کارهای مهمی دست زد. گزینش قضات شایسته و گسیل آنها به مناطق گوناگون، تلاش برای سازماندهی دادگاه‌های شرعی و پیوند آنها با دیوان عالی، تبیین احکام و

۷۰ آیت الله شهرستانی

تنظیم قوانین لازم در شیوه دادرسی، بخشی از اقدامات او در این مدت بود.

همزمان با آغاز این مسئولیت در ۱۳۴۲ق، به بیماری چشم گرفتار شد که پس از دو بار عمل جراحی سرانجام در ۱۳۴۹ق بیناییش را از دست داد، اما این حادثه به معنای پایان تلاش‌های وی نبود. در ۱۳۵۳ق او از دیوان عالی تمییز استعفا کرد و به نمایندگی مردم استان بغداد روانه مجلس شورای ملی شد، اما مجلس پس از چندماه منحل گردید.

آیت الله شهرستانی کتابخانه بزرگی در صحن شریف کاظمین به نام «مکتبه الجوادین العامة» بنا نهاد و کتابخانه شخصی خود را نیز بدانجا انتقال داد. آن مکان علاوه بر آنکه کتابخانه عمومی بود، محل کار وی نیز به شمار می‌رفت و بسیاری از شخصیت‌ها با وی در آنجا دیدار می‌کردند و او به پرسش‌های رسیده درباره مسائل گوناگون پاسخ می‌گفت و در عین حال به کمک دیگران کتاب می‌خواند و تألیف و تصنیف می‌نمود.

در ۱۳۲۶ش و در دوران مرجعیت تامه‌ی آیت الله بروجردی، آیت الله شهرستانی در پاسخ به استفتایی، بر لزوم اجرای اصل دوم متمم قانون اساسی تأکید ورزید.

وی در ۱۳۸۶ق بیمار گردید و پس از مدتی در شب دوشنبه ۲۶ شوال ۱۳۸۶ق درگذشت. پیکر او پس از تشییع پرشکوه

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۷۱

مردم، در جوار بارگاه امام موسی کاظم(ع) و امام جواد(ع) به خاک سپرده شد.

سید هبة‌الدین شهرستانی با وجود مشاغل اداری و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به تألیف و تصنیف در اغلب رشته‌های علوم و فنون اسلامی اشتغال داشت و بیش از صد جلد کتاب به زبان‌های عربی و فارسی بر جای گذارد.

دائرة المعارف تشیع^۱

هبة الدين، سيد محمد علي (۱۳۰۱-۱۳۸۶ق) فرزند سيد حسين حائري كاظمي از علما و مجتهدان بزرگ، مفسر قرآن، مجاهد و مبارز دلير، از سادات شهرستانيه و يكي از بزرگان و مصلحان و وحدت گرايان جهان اسلام، از اعضاي دارالتقريب و الازهر مصر مي باشد. نسبتش با سي واسطه به زيد بن علي بن حسين (ع) مي رسد. مادرش از سادات و از احفاد ميرزا محمد مهدي شهرستاني بود.

وي در سامرا قدم به عرصه ي هستي نهاد. در ده سالگي به تحصيل مبادي و مقدمات پرداخت. پس از طي ۹ سال توانست از صرف و نحو و منطق و عروض و بديع و معاني و بيان و تاريخ و حديث و رياضيات بهره ها ببرد. براي تحصيل و تکميل دروس عاليه در ۱۳۱۹ق به نجف رفته و در مکتب درس آخوند خراساني، سيد محمد کاظم يزدي، شريعت اصفهاني حاضر و در اندک زماني اجازه اجتهاد دريافت کرد. پس از آن به تأليف و تحقيق و نشر علوم روي آورد و *مجلة العلم* را منتشر کرد که اولين مجله منتشره در نجف بود. علاوه بر اين در مجلات معتبر آن روز چون *المقتطف* و *الهلال* در مصر، *المقتبس* در عراق، *الروضة* در شام مقالات علمي و سودمند ارائه کرد.

۱. دائرة المعارف تشيع، ج ۱۰، ص ۱۲۹-۱۳۰.

بخش دوم: گزارش دیدگاه‌ها ۷۳

آیت الله شهرستانی برای تبلیغ دین و ایجاد وحدت و اخوت بین مسلمین به کشورهای سوریه، لبنان، مصر، حجاز، یمن و ایران مسافرت کرد. پس از مراجعت به نجف مشارکت جدی در مبارزات شیعیان عراق داشت و نقش مؤثر و سازنده‌ای در پیروزی انقلاب عراق و استقلال آن کشور به عهده گرفت. بدین خاطر مدتی در شهر حله زندانی بود. در سال ۱۳۴۰ق پس از استقلال عراق به دستور ملک فیصل به عنوان وزیر فرهنگ و معارف عراق منشأ خدمات بس ارزنده‌ای به نفع اسلام و شیعه گردید. در ذیحجه همین سال از منصب خویش کناره گرفت و به تحقیق و تألیف اشتغال ورزید.

آیت الله شهرستانی از سید عبدالله شوشتری و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و امثال آنها روایت کرده است. در صحن شریف کاظمین کتابخانه عمومی جوادین(ع) را ایجاد کرد. در ۱۳۴۲ق به دستور حکومت عراق و تأکید علمای وقت، ریاست دیوان عالی تمیز [دیوان عالی کشور] به او واگذار گردید که به مجلس تمیز جعفری شهرت یافت. سال ۱۳۵۳ق به خواست اهالی بغداد به نمایندگی مجلس شورای ملی برگزیده شد و پس از انحلال مجلس باز هم به تألیف و نگارش و مبارزه‌ی قلمی با حملات و صدمات دشمنان اسلام پرداخت. سال ۱۳۴۲ق به درد چشم مبتلا شد پس از مدتی برای معالجه رهسپار سوریه گشت اما

۷۴ آیت الله شهرستانی

فایده‌ای نداشت، در نهایت نایبنا گشت، در این حالت فرزندش کتاب‌های مورد نظرش را قرائت می‌کرد و روزی چهل صفحه می‌نوشت. از فرزندانش سید جواد، سید عباس و سید زید می‌باشند. وی دارای تألیفات گسترده و فراوانی در زمینه‌های مختلف، علمی و دینی می‌باشد.

بخش سوم:
مآخذشناسی

مقدمه

آثار سیّد هبة الدین شهرستانی نه تنها از نظر کمیت و تعداد اهمیت دارد، بلکه جنبه‌های دیگر آثارش هم قابل توجه است. بطوری که جزء سلسله جنبانان اصلاح اجتماعی و دینی در حوزه علمیه به حساب می‌آید. پژوهشگرانی مانند صابرینا مروین (Sabrina Mervin) که چند دهه درباره حوزه‌های شیعه تحقیق نموده و آثار ارزنده‌ای عرضه کرده است، سیّد هبة الدین را به عنوان اندیشمند نوگرای حوزوی مطرح کرده و به بررسی آثار و افکارش پرداخته است.

بهر حال مهم‌ترین جنبه‌های آثار آن مرحوم عبارت است از: تنوع و پرداختن به موضوعات مختلف مورد نیاز جامعه و حوزه‌های علمیه؛ نوگرایی و اهتمام به موضوعات نوین و مستحدث؛ اهتمام به روزنامه‌نگاری و انتشار نشریه‌های تأثیرگذار، به عبارت دیگر استفاده از رسانه‌ها و نشریات به عنوان پایگاه و نهادی برای تبلیغ مسائل مذهبی؛ ایجاد و بنیان‌گذاری جریان روزنامه‌نگاری مذهبی متعهد در حوزه علمیه نجف اشرف؛ پرداختن به مناسبات موضوعات دینی با دستاوردهای علمی و نقادی تعارض علم و دین.

این کتابشناسی شامل دو بخش اصلی آثار و درباره است. بخش نخست به تألیفات مرحوم هبة الدین و بخش دوم به کتب و مقالات درباره او می‌پردازد.

الف) آثار چاپی سید هبةالدين

۱. کتاب

- ادعية القرآن، به خط طاهر خوشنویس، تبریز، بی‌نا، ۱۳۶۴ق، ۵۶ص.
- ترجمه**
دعاها و تهليلات قرآن به ضميمه شرح و ترجمه دعای صباح و ادعيه قرآن، تأليف محمداقر شهيدی و هبةالدين شهرستاني، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۷۶ص.
- اضرار التدخين او شرب الدخان في نظر الاطباء والدين، بغداد، مطبعة دارالسلام، ۱۳۴۳ق، ۳۶ص.
- امت و امامت: ترجمه الامة والامامة، ترجمه عليرضا خسرواني، تهران، شرکت سهامی مطبوعات اسلامی، ۱۳۶۷ق/۱۳۲۶ش، ۱۰۷ص.
- اوائيل المقالات في المذاهب والمختارات، تأليف الشيخ العلامة المفيد محمد بن النعمان، مقدمه و تعليق هبةالدين الشهرستاني، تصحيح عباسعلي واعظ چرندايي، تبریز، بی‌نا، ۱۳۶۴، ۱۲۷ص.
- تحريم نقل الجنائز: رسالة فقهية علمية اصلاحية حرة، بغداد، مطبعة الآداب، ۱۳۲۹ق، ۱۸ص؛ بغداد، مطبعة الشانندر، ۱۳۲۹ق، ۴۹ص.
- التذكرة لآل المحمد الخيرة، بغداد، مطبعة دارالسلام، ۱۳۴۰ق.
- ترجمه رساله غديري، ترجمه عليرضا خسرواني، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۶ق.
- التفسير اليسير لسورة الفاتحة و جزأى تبارك و عم من كتاب العلي القدير، بی‌نا، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲م، ۳ جلد در یک مجلد.
- تنزيه تنزيل مشتمل بر سه بخش و يك ترجمه تنزيه التنزيل از مؤلفات هبةالدين محمدعلي الحسيني الشهرستاني، ترجمه و نگارش عليرضا

۷۸ آیت الله شهرستانی

- خسروانی، تهران، چاپخانه حیدری، ۱۳۷۱ق/ ۱۳۳۱ش، ۲۰۳ص؛
تبریز، کتابفروشی صابری، ۲۰۶ص.
- توحید اهل التوحید، بغداد، المكتبة العصریه، ۱۳۴۲ق، ۵۶ص؛ بغداد،
مطبعة الفلاح، ۱۳۴۱، ۵۸ص.
- ترجمه**
توحید اهل توحید، ترجمه صادقخان حسینی نشات، تهران، موسسه
خاور، ۱۳۱۴، ۴۶ص.
- الحج المخطر، جواب السائلین عن الحج فی ساطة الوهابیین، بغداد،
المطبعة المصرية، ۱۳۴۱ق، ۱۶ص.
- حلال مشکلات: سلسله ابحاث متنوعه واجوبه مسائل مشکلی، بغداد،
مطبعة النجاح، ۱۳۷۳ق، ۱۰۶ص؛ بغداد، مكتبة الجوادین العامة،
۱۳۷۳ق، ۱۰۶ص.
- الدلائل والمسائل، بغداد، مطبعة النجاح، ۱۹۲۶م، ۱۱۲ص؛ کاظمین،
مكتبة الجوادین العامة، ۱۳۷۷ق.
- الدلائل والمسائل، سلسله سوالات مهمه متنوعه باجوبتها المشروحة
المقنعة تحل مشکلات العلوم بلسان السیدین و تسلك سبیل السیدین
بضیاء العلوم، بغداد، مطبعة دارالسلام، ۱۳۷۷ق/ ۱۹۵۸م، ۵جلد.
- ذوالقرنین - سد یاجوج و مأجوج، مقدمه و تعلیقات عباسقلی واعظ
چرندابی، تهران، اتحادیه مسلمین ایران، ۱۳۲۹، ۲۶ص.
- راهنمای یهود و نصارا: یا بیبها، تهران، انجمن تبلیغات اسلامی، ۱۳۲۳،
۱۲۱ص.
- رساله تفتیش از مضرات ریش تراشیدن، نجف، مطبعة علویه، ۱۳۴۰ق،
۳۶ص.

بخش سوم: مأخذشناسی ۷۹

رساله شریفه سر تشابه القرآن، یا، راز پیچیدگی آیات متشابه قرآن
مجید، ترجمه احمد تدین، بی جا، بی نا، بی تا، ۲۷ص.

رواشح الفيوض فی علم العروض، تهران، ۱۳۳۴ق، ۷۴ص.

شرح العقائد الصدوق، او، تصحیح الاعتقاد، تألیف الشیخ المفید محمد
بن النعمان، مقدمه و تعلیق السید هیة الدین الشهرستانی، تصحیح
عباسقلی واعظ چرندابی، تبریز، مکتبه حقیقت، ۱۳۳۰، ۷۷ص؛
تبریز، مکتبه سروش، ۱۳۶۴ق، ۱۰۴ص.

فغان اسلام، هند، بی نا، ۱۳۳۰ق.

فیض الباری او اصلاح منظومه السیزواری و هی اصول الفلسفه العالیة،
بغداد، المطبعة العصرية، ۱۳۴۳ق، ۳۲ص.

ما هو نهج البلاغه، نجف، اعتماد الکاظمی، ۱۴۰۰ق / ۱۳۵۸ش؛ نجف،
دارالتقاف؛ صیدا، مطبعة العرفان، بی تا، ۴۰ص؛ بغداد، مطبعة المعارف
و العرفان، ۱۹۳۶م.

ترجمه

پیرامون نهج البلاغه، نگارش سید عباس اهری، قم، نشر علم و دین؛
بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۰، ۱۶۰ص.

در پیرامون نهج البلاغه، ترجمه میرزاده اهری، مقدمه و تصحیح و
تحشیه از علی دوانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته بجامعه
مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۴، ۱۲۰ص؛ تهران، بنیاد نهج
البلاغه، ۱۳۵۹، ۷۴ص.

نهج البلاغه چیست؟ ترجمه کتاب گرانقدر ما هو نهج البلاغه، ترجمه
سیدعباس اهری، مقدمه علی دوانی، قم، فراهانی، ۱۳۴۶، ۱۴۳ص.

مجله العلم، نجف، ۱۳۲۸-۱۳۲۹ق.

٨٠ آيت الله شهرستاني

المعارف العاليه او علم الدين المدارس الراقية، بغداد، المكتبة المركزيه،
١٣٤٥ق/١٩٣٥م؛ بغداد، موسى حسين الحسيني، ١٣٥٤ق، ٩٤ص.

ترجمه

معارف عاليه اسلام، ترجمه غلامرضا خليفى، قم، حكمت، ١٣٣٧،
١١٢ص؛ تهران، مؤسسه مطبوعاتي ديني- كتابفروشي اسلاميه، ١٣٣٧،
١١٢ص.

المعجزه الخالده، كاظمين، مكتبة الجوادين العامه، ١٩٥١م، ١٤٤ص؛
بغداد، مطبعة النجاح، ١٩٥٠م، ١٣٢ص.

ترجمه

قرآن يك معجزه دائم، ترجمه جعفر غضبان، يزد، بي نا، ٩٢ص.
مناسك حج آل محمد صلوات الله عليهم/ جمعين، منسوب به زيد
شهيد، تحشيه سيد هبة الدين شهرستاني، ترجمه سيد محمود طالقاني،
بي جا، انجمن تبليغات اسلامي، بي تا، ٢٥ص.
منتخب المسائل، كاتب محمد حسن گلپايگاني، تهران، بي نا، ١٣٢٠ق،
چاپ سنگي.

النكت الاعتقادية، تصنيف المفيد محمد بن محمد بن النعمان البغدادي، مع
تعاليق هبة الدين الحسيني الشهرستاني، بغداد، ١٣٤٣ق؛ قم، مهر
استوار، ١٣٩٣ق/١٣٥١ش، ٤٥ص؛ قم، المجمع العالمي لاهل البيت
عليهم السلام، ١٤١٣ق، ٦٢ص.

نهضة الحسين او سلسلة حوادث تاريخية حول فاجعة الامام سيدنا
الحسين ابن علي، كربلا، مقدمه على خاقاني، رابط النشر اسلامي،
١٣٨٩ق/١٩٦٩م، ١٧٦ص؛ بغداد، مطبعة الجزيرة، ١٣٥٥ق،
١٣٤ص؛ بيروت، مؤسسه البلاغ، ١٤٢٤ق، ١٤١ص؛ بيروت،
دار الكتاب العربي، ١٣٤٣ق؛ نجف، نعمان، ١٣٣٦، ١٤٣ص؛ بغداد،
مكتبة الجوادين عليهما السلام العامه، ١٤٢٨ق/٢٠٠٧م، ٢٢٨ص.

بخش سوم: مأخذشناسی ۸۱

تلخیص

مختصر نهضة الحسين، او، سلسلة حوادث تاريخية حول فاجعة الامام سيدنا الحسين، بغداد، مطبعة دارالسلام، ۱۳۴۵ق، ۱۱۶ص؛ قم، محمدعلی انصاری، ۱۳۴۵ق/۱۳۵۰ش، ۱۲۰ص.

ترجمه

اسرار جانکاه یا نهضت حسینی، (ترجمه نهضة الحسين) سيد هبة الدين شهرستاني، ترجمه سيد علی اکبر برقي، قم، بی نا، ۱۳۴۶ق. عظمت حسینی، ترجمه علیرضا خسروانی، تهران، ۱۳۱۸. قیام مقدس یا انقلاب همایون، تبریز، شرکت ثلاثه شهامت طبع، ۱۳۵۱ق/۱۳۱۱، ۴۳ص.

نهضت امام حسین (ع)، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، ضریح آفتاب، ۱۳۸۶، ۱۹۶ص.

نهضت حسینی یا عظمت حسینی، ترجمه علیرضا خسروانی، تهران، چاپخانه تابان، بی تا، ۲۰۶ص.

وجوب صلاة الجمعة؛ رسالة تبحث عن ادلة وجوب صلاة الجمعة، بغداد، مطبعة الكتاب، ۱۳۶۶ق، ۳۶ص.

ترجمه

وجوب صلوة جمعه واهمیت آن در دنیای اسلام، ترجمه محمد جواد فردوسی فراهانی، اراک، فروهر، بی تا، ۴۷ص.

الهیئة والاسلام، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۴ق/۱۹۶۵م، ۴۰۰ص؛ بغداد، احمد الحسینی، ۱۲۸۸ق، ۲ جلد در یک مجلد؛ النجف، دارالثقافة، مكتبة الثقافة، ۱۳۸۱ق، ۳۹۹ص.

ترجمه

اسلام و هیئت، ترجمه و تکمیل از هادی خسرو شاهی، تهران، انتشار، بی تا، ۵۰۴ص.

اسلام و هیئت، ترجمه و توضیحات هادی خسرو شاهی، قم، بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم،

۸۲ آیت الله شهرستانی

۱۳۸۷، ۱۳۸۷، ۵۷۱ ص.

اسلام و هیئت، ترجمه اسماعیل فردوسی فراهانی، ترجمه اضافات چاپ دوم عربی و اصلاح ترجمه از سید هادی خسروشاهی، تبریز، کتابفروشی صابری، ۴۷۸ ص.

اسلام و هیئت، ترجمه اسماعیل فردوسی فراهانی، نجف الاشرف، حاج سراج انصاری، ۱۳۵۶ ق/ ۱۹۳۷ م، ۴۱۶ ص.

اسلام و هیئت پارسی، ترجمه و تکمیل از هادی خسروشاهی، با مقدمه‌هایی از سراج انصاری و دیگران، تهران، بعثت، ۱۳۸۹ ق/ ۱۳۴۵ ش، ۵۰۲ ص.

اسلام و هیئت پارسی، الهیة والاسلام، ترجمه اسماعیل فردوسی فراهانی، نجف، مطبعة الغری، ۱۳۵۶ ق، ۲ جلد در یک مجلد. الهیة والاسلام اردو، ترجمه مسمی البدر التمام، ترجمه سید محمد هارون صاحب ممتاز الافاضل زنگی پوری، لاهور، البرهان، بی‌تا، ۲۸۰ ص.

۲. مقاله‌ها

«أسرار الثورة أو خواطر ساعة»، المنار، ش ۳۲۸، ص ۵۴۷.
«أشعار القرآن بتحرك الأرض»، العرفان، ش ۵، جمادی الأولى ۱۳۲۷، ص ۲۰۶-۲۱۱؛ ش ۱۰، شوال ۱۳۲۷، ص ۴۶۹-۴۷۱.
«إظهار الوصی تحرك الأرض»، العرفان، ش ۴، ربیع الثانی ۱۳۲۸، ص ۱۸۴-۱۸۶.
«إلی من یرید الاشیاء محسوسة»، العرفان، ش ۹، ذوالقعدة ۱۳۴۱، ص ۶۴۸-۶۵۰.

بخش سوم: مأخذ شناسی ۸۳

«البراهین علی تجرد النفس»، *العرفان*، ش ۸، شوال ۱۳۴۱، ص ۵۷۲-۵۷۴.

«تصریح الدین بکثرة أقمار السماء»، *المقتطف*، سال ۳۶، ش ۴، شوال ۱۳۲۹، ص ۳۶۱-۳۵۸.

«تفسیر القرآن الحکیم: تفسیر سوره الواقعة بقلم العلامة السید هبة الدین الشهرستانی دام ظلّه»، *المرشد*، سال ۲، ربیع الثانی ۱۳۴۶، ش ۹، ص ۳۲۱-۳۲۴؛ سال ۲، ش ۱۰، جمادی الأولى ۱۳۴۶، ص ۳۶۱-۳۶۵؛ سال ۳، ش ۱، رمضان ۱۳۴۶، ص ۲-۶؛ سال ۳، ش ۲، شوال ۱۳۴۶، ص ۴۱-۴۲؛ سال ۳، ش ۳، ذوالقعدة ۱۳۴۶، ص ۸۵-۸۹؛ سال ۳، ش ۴، صفر ۱۳۴۷، ص ۱۲۹-۱۳۱؛ سال ۳، ش ۵، ربیع الأول ۱۳۴۷، ص ۱۷۳-۱۷۷؛ سال ۳، ش ۶، ربیع الثانی ۱۳۴۷، ص ۲۱۷-۲۲۱؛ سال ۳، ش ۹، رجب ۱۳۴۷، ص ۳۴۵-۳۴۷.

«تنازع الروحیة و المادیة»، *العرفان*، ش ۷، رمضان ۱۳۴۱، ص ۴۹۴-۵۰۰.

«نقات الرواة: السید هبة الحسینی الشهرستانی (۱۳۰۱-۱۳۸۶ه)»، تحقیق السید عبدالستار الحسینی، *علوم الحدیث*، ش ۲۳، محرم و جمادی الآخرة ۱۴۲۹، ص ۲۴۱-۳۱۸.

«الحسین.. الوثبة الموقظة»، *الموسم*، ش ۱۳، السنة ۱۴۱۳، ص ۲۱۸.

«الدلائل و المسائل»، *المرشد*، سال ۳، ش ۱، رمضان ۱۳۴۶، ص ۲۹-۳۴؛ سال ۳، شماره ۳، ذوالقعدة ۱۳۴۶، ص ۱۱۲-۱۲۲؛ سال ۳، ش ۵، ربیع الأول ۱۳۴۷، ص ۲۰۵-۲۱۲؛ سال ۳،

٨٤ آيت الله شهرستاني

ش ٦، ربيع الثاني ١٣٤٧، ص ٢٥٢-٢٥٤؛ سال ٣، ش ٩، رجب
١٣٤٧، ص ٣٧٧-٣٨٣.
«رمضان رمز تقريب القلوب و تأليف الشعوب»، رسالة الاسلام،
ش ٣، رمضان ١٣٦٨، ص ٢٥٠-٢٥٣.

ب) آثار دربارہ سيد هبة الدين

١- كتابها

اربعينية السيد جواد هبة الدين الحسيني الشهرستاني، محمد اياد
جواد حسيني، بي جا، بي نا، ١٤٢٧ق، ١٢٨ص.
رحلة الشهرستاني إلى الهند، تحقيق جواد كاظم البيضاني، دار
مدارك للنشر، ٢٠١٢م.
السيد هبة الدين الحسيني الشهرستاني حياته و نشاطه العلمي و
الاجتماعي (١٣٠١-١٣٨٦ق)، السيد عبدالستار الحسنی، قم،
مؤسسه تراث الشيعه، ١٤٢٩ق، ٥٥٠ص؛ بغداد، شركة الحسام،
١٤٢٢ق، ٢٧٥ص.
السيد هبة الدين الشهرستاني، آثاره الفكرية و مواقفه السياسية،
محمد باقر احمد البهادلي، بيروت، مؤسسه الفكر الاسلامي،
١٤٢٣ق / ٢٠٠٢م، ٣٣٦ص.
صفحات مضيئة من حياة هبة الدين الحسيني الشهرستاني، جواد
كاظم البيضاني، بغداد، مركز سومر للدراسات والبحوث
التاريخية، ٢٠١٠م، ٥٤ص.

بخش سوم: مأخذشناسی ۸۵

هبةالدين الشهرستاني: منهجه فى الاصلاح و التجديد و كتابه
التاريخ: دراسه تحليليه، اسماعيل طه جابرى، بغداد،
دارالشؤون الثقافية العامة، ۲۰۰۸م/۱۳۸۷ش، ۶۳۳ص.
هبةالدين الشهرستاني، سيدمحمد مهدى علوى سبزوارى، نجف
اشرف، مطبعة الاداب، ۱۳۴۸ق، ۸۰ص.
هبةالدين شهرستاني ستاره سامرا، عباس عبيرى، تهران، سازمان
تبليغات اسلامى، ۱۳۷۳، ۱۰۳ص.

۲- مقالهها

«آشنايى با دانشوران: شرح حال آيت الله العظمى سيد هبةالدين
حسينى شهرستاني»، ناصر باقرى بيدهندي، مشكوة، ش ۳۱،
تابستان ۱۳۷۰، ص ۱۰۵-۱۱۸.
«بقعه شهرستاني»، عبدالحسين شهيدى، دائرةالمعارف تشيع، ج ۳،
ص ۳۶۳.
«پيشگامان تقريب: ۱. سيد هبة الدين شهرستاني ۲. شيخ محمد
عرفه»، انديشه تقريب، ش ۹، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۲۳-۱۳۲.
«التقاء النجف بالأزهر رأى العلامة الشهرستاني»، عبدالمعتم
خلاف، الرسالة، ش ۲۱۰، جمادى الأولى ۱۳۵۶، ص ۱۱۳۶.
«تقات الرواة: السيد هبة الحسينى الشهرستاني (۱۳۰۱-۱۳۸۶ق)»،
تحقيق السد عبدالستار الحسنى، علوم الحديث، ش ۲۳، محرم و
جمادى الآخرة ۱۴۲۹، ص ۲۴۱-۳۱۸.
«در محضر علامه شهرستاني»، احمد ابطحى اصفهانى، آيين
اسلام، ش ۳۰، مهر ۱۳۲۳، ص ۵.

۸۶ آیت الله شهرستانی

«رواد التقريب: العلامة هبة الدين الشهرستاني رايد التقريب و الجهاد و الفكر»، سيد هادى خسروشاهى، رسالته التقريب، ش ۷۹، جمادى الأولى و جمادى الآخرة ۱۴۳۱ق / ۲۰۱۰م، ص ۲۰۹-۲۲۲.

«السيد هبة الدين الشهرستاني و جهوده فى موضوع رؤية الهلال»، رضا مختارى، جمع پريشان: دفتر سوم (رضا مختارى، قم، نشر دانش و حوزه، ۱۳۹۱)، قم، ص ۵۶۳-۵۶۸.

«الفقيه فى سطور»، اجوبة المسائل الدينية، ش ۱۰، شوال، ص ۲۹۱-۲۹۶.

«سيد هبة الدين الشهرستاني طليعه التحديث الاسلامى»، عبدالكريم آل نجف، التوحيد، ش ۶۸، ص ۴۰-۵۱.

«سيد هبة الدين شهرستاني فقيه و روزنامه نگار مصلح و مجاهد»، ابراهيم عاتى، ميثاق امين، ش ۲، بهار ۱۳۸۶، ص ۱۵۳-۱۶۸.

«شهرستاني، هبة الدين، سيد محمد على (۱۳۰۱-۱۳۸۶ق)»، دائرة المعارف تشيع، جلد ۱۰، ص ۱۲۹-۱۳۰.

«طليعه آفتاب دانش در آغاز قرن چهاردهم يا شرح زندگاني آية الله شهرستاني»، آيين اسلام، ش ۲۸، مهر ۱۳۲۳، ص ۲-۵.

«علامه شهرستاني»، مسجد اعظم، ش ۲۳، اسفند ۱۳۴۵.

«محاضرات علامه شهير سيد هبة الدين شهرستاني: محاضر داوولى در اعجاز قرآن»، عليرضا ميرزا خسروانى، آيين اسلام، ش ۱۲۴، تير ۱۳۲۵، مرداد ۱۳۲۵، ص ۲۸؛ ش ۱۲۶، مرداد ۱۳۲۵، ص ۸؛ ش ۱۲۷، شهريور ۱۳۲۵؛ ش ۱۲۸، شهريور

بخش سوم: مأخذشناسی ۸۷

۱۳۲۵، ص ۸؛ ش ۱۲۹، شهریور ۱۳۲۵، ش ۱۴۳، دی ۱۳۲۵، ص ۲۸.

«مرور عام علی وفاة (علم من أعلام الدين و العلم اللامعة السيد هبة الدين الشهرستاني)»، *اجوبة المسائل الدينية*، ش ۱۰، شوال ۱۳۸۷، ص ۲۹۰-۲۹۱.

«مکانه الادب عند السيد هبة الدين الشهرستاني (مجلة العلم نموذجاً)»، حسین لفته حافظ، *مجلة اللغة العربية و آدابها*، ش ۱۲، ص ۳۳۱-۳۴۳.

«منهج التحديث لدى السيد هبة الدين الشهرستاني»، عبدالکریم آل نجف، *قضايا اسلامية*، ش ۵، ۱۴۱۸ق، ص ۴۵۴-۴۷۰.

«نامه یکی از علمای قم به آیت الله شهرستانی»، ع. دهسی، *آیین اسلام*، ش ۸۵، آبان ۱۳۲۴، ص ۲؛ ش ۸۶، آبان ۱۳۲۴، ص ۱۲؛ ش ۸۷، آذر ۱۳۲۴، ص ۸-۹.

«نظریه حضرت آیت الله آقای آقا سید هبة الدين شهرستاني راجع به روزنامه آئین اسلام»، *آیین اسلام*، ش ۲۱۸، آبان ۱۳۲۷، ص ۱۸-۱۹.

«هبة الدين الشهرستاني رجل المواجهة الاول»، حسن السعيد، *التوحيد*، ش ۹۶، شهریور ۱۳۷۷، ص ۱۴۷-۱۷۰.

بخش چهارم:
آلبوم عکس

مآخذ

۱. الامين، السيد محسن، *اعيان الشيعة*، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
۲. باقرى بيدهندى، ناصر، *دانشوران روشندان*، قم، دفتر تبليغات حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۳. الحسنى، السيد عبدالستار، *السيد هبة الدين الحسينى الشهرستانى، حيات و نشاطه العلمى و الاجتماعى*، قم، مؤسسه تراث الشيعة، الاولى، ۱۴۲۹ق، ۱۳۸۷ش.
۴. رازى، محمد شريف، *گنجينه دانشمندان*، قم، مؤلف، ۱۳۵۴.
۵. رجبى، محمد حسن، *علمای مجاهد*، تهران، مركز اسناد انقلاب اسلامى، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۶. صدر حاج سيدجوادى، احمد؛ فانى، كامران، و خرمشاهى، بهاء الدين، *دائرة المعارف تشيع*، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۷. طهرانى، آقا بزرگ، *الذريعة الى تصانيف الشيعة*، بيروت، دارالاضواء، الثالثة، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
۸. طهرانى، آقا بزرگ، *طبقات اعلام الشيعة، تقباء البشر فى القرن الرابع عشر، القسم الرابع من الجزء الاول*، مشهد، دارالمرضى، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ق.
۹. عبيرى، عباس، *هبة الدين شهرستانى ستاره سامرا*، تهران، سازمان تبليغات اسلامى، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۱۰. مدرس، میرزا محمد علی، *ریحانه الادب فی تراجم المعروفین*
بالکفیه و اللقب یا کنی و القاب، تهران، کتابفروشی خیام، چاپ
چهارم، ۱۳۷۴.

۱۱. میرزا خسروانی، علی رضا، «محاضرات علامه شهیر سید هبة
الدين شهرستاني: محاضر داوولي در اعجاز قرآن»، نشریه آیین
اسلام، ۱ دی ۱۳۲۵، ش ۱۴۳.

۱۲. هاشمی، محمد قاسم، *تاریخ پانصد ساله خاندان شهرستانی*،
اصفهان، مؤلف، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش / ۱۴۲۳ ق.

13. alnajaf2012.com ; tebyan.net ; hawzah.net ; wikifeqh.ir

دفتر فرهنگ معلولین مؤسسه ای غیرانتفاعی و بین المللی است. خط مشی این مؤسسه ارتقای فرهنگ اسلامی در بین جامعه عزیز معلولان و افزایش توانایی و خلاقیت های آنان است. از اینرو با تولید آثار مذهبی به روش بریل، گویا و الکترونیک دسترسی آنان را به منابع اسلامی آسان تر می نماید.



دفتر فرهنگ معلولین
دار الثقافة للمعوقين
Handicap Cultural Center